

تأملی انتقادی بر سیاست‌ها و سازوکارهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در تناسب با موازین دانشگاه کارآفرین (مطالعه موردی: دانشگاه فنی و حرفه‌ای)^۱

سمیه محمدی زاد^۲، نعمت الله عزیزی^۳ * ابراهیم صالحی عمران^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل سیاست‌ها و سازوکارهای آموزشی دانشگاه فنی حرفه‌ای به عنوان یک مطالعه موردی در صدد است تا کم و کیف برنامه‌های آموزشی این دانشگاه را تحلیل، چالش‌ها و آسیب‌های پیش‌رو را شناسایی و استراتژی‌هایی را برای بهبود کیفیت و عملکرد آموزشی و پژوهشی این دانشگاه پیشنهاد نماید. روش پژوهش، کیفی چندگانه و از نوع تحلیل سند و پدیدارنگاری است. مشارکت‌کنندگان ۱۲ نفر از مدیران دانشگاهی و کارفرمایان ذی‌ربط در حوزه رشته‌های فنی بودند که به صورت هدفمند انتخاب و با آنان مصاحبه شد. برای تحلیل یافته‌ها نیز از روش تحلیل محتوای کیفی با تأکید بر مؤلفه‌های اصلی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد؛ با وجودی که دانشگاه مورد مطالعه از نظر سیاست‌ها و سازوکارهای تعیین شده حتی‌المقدور در اسناد بالا دستی با سنت دانشگاه‌های کارآفرین همسویی دارد اما در عمل با مجموعه‌ای از چالش‌های محیطی زمینه‌ای، ساختاری و محتوایی دسته و پنجه نرم می‌کند که عدم توجه به آن‌ها و عدم ارائه راه‌حلی برای این چالش‌ها، نه تنها اثر بخشی و کارآمدی دانشگاه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد بلکه باعث می‌شود که در تقابل با فلسفه وجودی و چشم‌انداز راهبردی آن قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: آموزش عالی حرفه‌ای، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، دانشگاه کارآفرین، سنت پلی تکنیک در توسعه دانشگاهی

^۱ این مقاله از بخشی از نتایج رساله دکتری برنامه ریزی توسعه آموزش عالی دانشگاه کردستان استخراج شده است.

^۲ دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی دانشگاه کردستان somayeh.mohammadi.۶۰@gmail.com

^۳ استاد رشته برنامه‌ریزی آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کردستان. نویسنده مسؤل: N.Azizi@uok.ac.ir

۰۹۱۸۸۷۰۴۵۵۱

^۴ استاد رشته برنامه‌ریزی آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مازندران edpes۶۰@hotmail.com

مقدمه

آموزش عالی حرفه‌ای^۱ به معنای آموزش فنی و حرفه‌ای پس از دبیرستان است که انعطاف‌پذیر بوده و به دلیل نیاز به نیروی کار بسیار ماهر، مطابق با الزامات زندگی کاری مدرن و تا حدی در نتیجه جهانی‌شدن و تقاضا برای نیروی کار ماهر، بوجود آمده است (لیکت^۲ و تانگ^۳، ۲۰۱۵). هدف از این نوع آموزش تربیت تکنسین‌های حرفه‌ای جهت ارائه به بازار کار و اساس آموزش فنی و حرفه‌ای نیز ترکیبی از آموزش رسمی و تجربه در محل کار است (آزمانیرا^۴ و همکاران، ۲۰۱۴). هر چند نظام‌های آموزش عالی حرفه‌ای از نظر نوع برنامه‌ها و مدارک تحصیلی مربوطه با هم تفاوت‌های زیادی با یکدیگر دارند و حتی کشورها گاهی اوقات درباره آن‌چه که در حقیقت به عنوان آموزش فنی عالی شناخته می‌شود، دارای اختلاف نظرهایی هستند (یولیکنا^۵، لوومی مسرر^۶ و اوزینگر^۷، ۲۰۱۶)، اما واقعیت امر این است که در بیشتر کشورها اشکال مختلفی از آموزش عالی حرفه‌ای وجود دارد. مع‌الوصف امروزه ضرورت ترکیب و ادغام آموزش آکادمیک و یادگیری در محل کار به یک باور تبدیل شده و اهتمام بر یکپارچه‌سازی تئوری و عمل و حمایت از دانش‌آموختگان، منعکس‌کننده هویت فنی و حرفه‌ای است (اکرمن^۸ و بیکر^۹، ۲۰۱۲). از طرف دیگر در پرتو تحولات سریع علم و فناوری و استقرار نظام‌های اقتصادی دانش‌بنیان، جوامع مدرن و پیشرفته بشدت به افزایش دانش در مورد ماهیت یادگیری در زمینه محل کار نیاز دارند. از این رو بحث در مورد چگونگی انتقال از موسسات آموزشی به محل کار می‌تواند در نهایت به دانش‌آموختگان کمک کند تا به طور مؤثرتری دانش و مهارت‌های ضروری را کسب کنند (به نقل از لیکت و تانگ، ۲۰۱۵). با این وصف علی‌رغم نقش مهم و استراتژیکی که نهادهای دانشگاهی می‌توانند در تحول آفرینی اقتصادی و صنعتی و ایجاد و تقویت بسترهای مناسب برای تحقق اهداف توسعه‌ای داشته باشند، اما به دلیل ساختارها، سیاست‌ها، برنامه‌ها و فرایندهای معیوب و کهنه، تحقق این مهم بیشتر به یک رؤیا می‌ماند و ناممکن به نظر می‌رسد. از منظر برنامه‌ریزی آموزشی تحلیل نتایج ارزیابی کارایی بیرونی نظام دانشگاهی کشور که به راحتی با خیل عظیم دانش‌آموختگان بیکار بروشنی تفسیر می‌گردد، نشان می‌دهد که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور نه تنها در راستای نیل به اهداف توسعه‌ای کشور حرکت نکرده‌اند و نقش چشمگیری در حل معضلات جامعه ایفا ننموده‌اند بلکه با سیر تحول علم، پژوهش و تغییرات سیاستی و فرایندی در آموزش عالی روز دنیا نیز هم‌راستا و همسو نبوده‌اند. در چنین شرایطی ایده مهندسی مجدد آموزش‌دهنده‌های فنی وابسته به وزارت آموزش و پرورش در فرمت و هیئت نوبنی و با تاسی از سنت دانشگاهی پلی‌تکنیک به منزله یک تحول پارادیمی مطرح و باز تعریف ساختارها، تشکیلات، سیاست‌ها و کم و کیف برنامه‌ها و رشته‌ها و مقاطع تحصیلی آن کلید خورده دانشگاه فنی و حرفه‌ای کشور به عنوان یک ابر دانشگاه و با گستره فعالیت کشور ارائه خدمت به حدود ۲۰۰ هزار دانشجو در بیش از ۱۷۰ پردیس دانشگاهی آغاز کرد. یکی از پیش‌فرض‌های اصلی دانشگاه فنی و حرفه‌ای بر قدرت و قابلیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه اقتصادی و تلقی آن به عنوان یکی از ابزارهای مرثر توسعه صنعتی بوده است. از این رو چنان‌چه این آموزش‌ها با توجه به نیاز بازار کار و صنعت به مورد اجرا در آید، نه تنها نقش کارآفرینی و ارزش‌آفرینی بسیار بالایی در عرصه حیات

^۱ Higher Vocational Education

^۲ Littke

^۳ Thang

^۴ Azmanirah

^۵ Ulicna

^۶ Luomi Messerer

^۷ Auzinger

^۸ Akerman

^۹ Baker

اقتصادی جامعه ایفا خواهد کرد بلکه به حل بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی بویژه نرخ بالای بیکاری در میان جمعیت تحصیل کرده و جوان کشور مدد خواهد رساند. بدیهی است چنین تحولی در نظام دانشگاهی کشور به صورت نظری سیر همسویی فعالیت دانشگاهی کشور را با روند جاری آن در دنیا هموار خواهد کرد که به دلایل مختلف از جمله جهانی شدن بازارها، لزوم اصلاحات در سازوکارهای نظام آموزش و تحصیلات حرفه‌ای بیش از پیش مورد تأکید قرار داده است. در واقع یکی از اهداف مهم نظام آموزش و تحصیلات کشورها، آماده‌سازی منابع انسانی برای رقابت سنگین ملی در عرصه اقتصاد جهانی روبه رشد است (ثابت نژاد و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین، کشورها برای حفظ توان رقابت جهانی خود در عرصه اقتصادی از سیاست‌ها و راهبردهایی بهره می‌گیرند که عمدتاً بر پایه توسعه منابع انسانی و افزایش ظرفیت‌های انسانی استوار است. از جمله این استراتژی‌ها می‌توان به انجام اصلاحات اساسی در نظام آموزش عالی و بهبود اتصال و پیوند میان آموزش دانشگاهی و نیازهای متغیر بازار با تأکید بر تأمین نیروی کار ماهر برای اقتصاد کشور از طریق توسعه و ترویج شایستگی‌ها و مهارت‌های اساسی، پرورش کارآفرینی، گسترش آموزش‌های حرفه‌ای و همچنین بازسازی، نوسازی و بهسازی نیروی انسانی اشاره کرد. البته در کنار این عوامل اقتصادی ضرورت‌بخش آموزش عالی می‌توان رشد و توسعه‌یافتگی آموزش عالی حرفه‌ای در تعدادی از کشورها را ناشی از تعداد رو به افزایش افراد علاقمند به تحصیل در این رشته‌ها، وجود فرصت‌های شغلی نسبتاً خوب برای فارغ‌التحصیلان آموزش عالی حرفه‌ای در بسیاری از کشورها و همچنین تقاضای روزافزون بازار کار برای جذب دانش‌آموختگان این دوره‌ها دانست (یولیکنا و همکارانش، ۲۰۱۶).

گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که به دلیل اثر انکارناپذیر آموزش عالی حرفه‌ای در حل مسأله اشتغال جوانان و کاهش نرخ بیکاری در میان آنان و همین‌طور نقش اثرگذار آن در ارتقای سطح رفاه افراد و در انسجام اجتماعی، این آموزش‌ها در سال‌های اخیر مورد تأکید فراوان بوده‌است (پرمند^۱ و همکاران، ۲۰۱۲). در همین راستا نظام آموزش عالی جوامع می‌تواند با افزایش تعامل خود با دیگر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی ضمن ایفای نقش و مسؤلیت اجتماعی خود، در فرایند تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص مورد نیاز جامعه درست در مسیری حرکت کند که برآیند آن دانش‌آموختگانی با دانش نظری روز و قابلیت و توان عملی ضروری و مناسب برای انجام وظایف حرفه‌ای خود باشند. شاید به همین دلیل است که نقش و کارکرد مؤسسات دانشگاهی در بیکاری دانش‌آموختگان اگر از دیگر عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بیشتر نباشد، از آن‌ها هم کمتر نخواهد بود. از این‌رو در بیشتر کشورها بهبود وضعیت اشتغال جوانان در کانون توجه سیاست‌گذاری‌های آموزشی و تلاش‌های اصلاحی آن‌ها در نظام آموزشی قرار گرفته است. بدیهی است که عدم تطابق و سازگاری به موقع دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با محیط پیشرو خود پیرامون می‌تواند سبب اختلال و تنش در ایفای کارکردهای آن‌ها شود. هر چند ارائه الگوی مشخص و واحد برای چنین سازمان پیچیده‌ای غیرواقعی و شاید غیر قابل اجرا باشد اما ورود به عصر «جامعه دانشی و مهارتی» تلاش برای نیل به این مهم را ضروری می‌سازد (وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، ۱۳۹۲). مع‌الوصف تأسیس دانشگاه فنی و حرفه‌ای تلاشی بود تا ضمن ارائه الگوی دانشگاه نسل سوم هم نیروی انسانی متعهد ماهر، متخصص و کارآمد در سطوح عالی فنی و حرفه‌ای را تربیت نماید و هم با اصلاح هرم تحصیلی و شغلی و پاسخگویی به نیازهای جامعه در حوزه‌های مهارتی و فناوری، خردمندان و بر پایه بهره‌گیری از سنت پلی‌تکنیک به توسعه آموزش عالی کشور مدد رساند. با این وجود مشاهدات میدانی و تجربه زیسته محققان از سیاست‌ها، اهداف و سازوکارها و فرایندهای جاری این دانشگاه حاکی از آن است دانشگاه مذکور علیرغم تلاش و جدیت برای نشان دادن الگویی موفق از یک مؤسسه آموزش عالی کارآفرین، در عمل با مجموعه‌ای از چالش‌ها دست و پنجه نرم می‌کند که غفلت از آن‌ها می‌تواند شکاف

^۱ Permand

میان دانشگاه فنی و حرفه‌ای با الگوی مطلوب دانشگاهی را تشدید کرده و آن را از دست یازیدن به اهداف بلندش ناکام سازد. از این رو شناسایی و تحلیل علل عدم همسویی این دانشگاه با شاخص‌ها و موازین دانشگاه کارآفرین، به برنامه‌ریزان آموزش عالی کشور امکان می‌دهد تا ضمن یافتن و پیشنهاد راهکارهای مناسب برای افزایش همسویی میان این دانشگاه و یک دانشگاه کارآفرین، زمینه و بستر کارآمدی و تداوم فعالیت موفقیت آمیز آن را تسهیل و تضمین کند. بنابراین پژوهش حاضر تلاشی بود که از طریق آن سیاست‌ها و سازوکارهای اجرایی، آموزشی و پژوهشی دانشگاه فنی و حرفه‌ای تحلیل و با آسیب‌شناسی چالش‌های موجود در نیل به اهداف این دانشگاه، پیشنهادات مناسبی برای کاهش دامنه و شعاع مسائل مبتلا به دانشگاه و افزایش ضریب توفیق و دستیابی آن به اهداف پیش‌بینی شده ارائه نماید.

مبانی نظری

برای تعریف آموزش عالی حرفه‌ای نه تنها از آموزش و پرورش بلکه باید درک درستی از آموزش حرفه‌ای وجود داشته باشد. در همین راستا عزیزی (۱۳۸۳) معتقد است که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در جهان و کشور ایران دارای انواع نظام، شیوه‌های اجرایی و ساختار سازمانی متفاوت است. به عنوان نمونه؛ پاراها^۱ (۲۰۱۴) سه مفهوم را در حوزه آموزش حرفه‌ای مطرح کرده است:

۱. مفهوم اول؛ اشاره به طیف وسیعی از مشاغل که در عملکرد و فعالیت علمی یا فنی مشترک هستند. از این دیدگاه آموزش حرفه‌ای شاخه‌ای از آموزش و پرورش است که رویه دانش و مهارت مربوط به شغل را بیان می‌کنند.

۲. مفهوم دوم؛ آموزش حرفه‌ای تا حد زیادی متکی بر رقابت شانه به شانه با آموزش دانشگاهی است. براساس این طرز تفکر آموزش عالی حرفه‌ای یک تناقض است چرا که طراحی آموزش حرفه‌ای به طور خاص بر دوش کسانی است که به اندازه کافی محیط دانشگاهی را نمی‌شناسند و مسیر را روشن نمی‌سازند که این مدل فعلی آموزش در بسیاری از کشورها می‌باشد.

۳. مفهوم سوم از آموزش حرفه‌ای "تماس واقعی" می‌باشد. در این معنا آموزش یعنی تربیت دانش‌آموزان و دانشجویان به طور طبیعی، که متمایل به شغل خاص هستند. این شرح از آموزش فنی و حرفه‌ای نیاز به توسعه بیشتر از استعداد طبیعی برای مشاغل خاص دارد که این تعریف بیشتر در حوزه نتایج آموزش عالی حرفه‌ای قرار می‌گیرد.

صالحی عمران (۱۳۹۳) نیز به طور کلی سه نوع نظام آموزش حرفه‌ای را مطرح می‌کند؛ نظام آموزش حرفه‌ای یا مدرسه محور که این نوع آموزش برای تربیت کارگران نیمه ماهر، تکنسین و مهندسان بوده و ماهیت برنامه‌های درسی آن نظری است. در این نظام به فارغ التحصیلان مدرک تحصیلی اعطا می‌شود به همین دلیل به نظام آموزشی رسمی معروف است. نظام حرفه‌آموزی بازار کار یا آموزش مبتنی بر حرفه؛ هدف آن عرضه مهارت‌های مرتبط با شغل است که به طور عمده از سوی مدیران حرفه آموزی اداره می‌شود که موظف هستند برای جوانان تسهیلات حرفه‌ای مرتبط با شغل فراهم کنند. برخلاف مدارس دروس نظری دیگر خارج از تخصص ارائه نمی‌شود و به جای مدرک به افراد گواهینامه می‌دهند. نظام بعدی، حرفه آموزی بنگاه اقتصادی است که آن دسته از برنامه‌های آموزشی را پوشش می‌دهد که به وسیله کارفرمایان عرضه یا تامین مالی می‌شود.

^۱ Paraha

در راستای توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای در کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه، توجه به زیر ساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و فناوری آن کشور الزامی است و شرایط اقتصادی و اجتماعی هر کشور باید تعیین‌کننده الگوی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آن کشور باشد. براساس آمارهای ملی ثبت نام در برنامه‌های شناسایی شده در آموزش عالی با وجود این که استقبال متقاضیان از ثبت نام در دوره‌های آموزش عالی حرفه‌ای در جمهوری چک، یونان، فنلاند، لیتوانی، لتونی، انگلستان در وضعیت پایدار قرار داشته، تعداد متقاضیان ثبت نام در این دوره‌ها در کشورهای اتریش، بلژیک، دانمارک، آلمان، اسپانیا، فرانسه، ایرلند، ایتالیا، لوکزامبورگ، مالت، هلند و رومانی در حال افزایش بوده است (سی‌دیفوپ^۱، ۲۰۱۵). بر اساس این گزارش و در راستای بهبود جایگاه آموزش عالی حرفه‌ای، کمیسیون اروپا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا باید اولاً سیاست‌گذاری در حوزه آموزش عالی حرفه‌ای را با هدف تقویت مهارت‌های بالاتر توسعه دهند. ثانیاً برنامه‌ها و صلاحیت‌های آموزش عالی حرفه‌ای می‌بایست در برگیرنده فرصت‌هایی برای ارتقاء مهارت‌ها و صلاحیت افراد و دستیابی به مدارک مرتبط با کار برای یک گروه هدف متنوع و متکثر باشد. به هر حال کشورها می‌بایست نسبت به متنوع ساختن ارائه فرصت‌های آموزشی و مهارت‌آموزی در سطوح عالی‌تر اهتمام نموده و ارتباط و تناسب این برنامه‌ها را با بازار کار تضمین نمایند. از آن‌جا که کارایی و اثر بخشی دوره‌های کاردانی به میزان جذب فارغ التحصیلان در بازار کار، ایجاد اشتغال و کیفیت ارائه خدمت در محیط کار وابسته است، کارکردهای دوره کاردانی از اساس باید معطوف به بازار کار باشد. از طرفی جهت‌گیری و نگرش جامعه معطوف به تحصیل در دوره‌های بالاتر آموزش عالی است و بحث اشتغال این دوره تحصیلی و مهارت‌هایی که منجر به خود اشتغالی می‌گردد، مورد بی‌مهری قرار گرفته است (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دانشگاه فنی و حرفه‌ای، ۱۳۹۲). از این رو برای پاسخگویی به این مهم، در میان دانشگاه‌های دولتی کشور، دانشگاه فنی و حرفه‌ای به عنوان دانشگاه نسل سوم (دانشگاه کارآفرین) مأموریت یافت تا فضا را برای بالا بردن کارایی و اثربخشی دوره‌های کاردانی آماده نموده و زمینه‌های خلاقیت و نوآوری، کارآفرینی و توسعه مهارت‌هایی که منجر به اشتغال می‌شود را فراهم کند.

دانشگاه‌های کارآفرین با هدف آماده‌سازی دانشجویان برای محیط کار و ایجاد و توسعه پارک‌های علمی، مراکز رشد و گسترش تعامل با بخش صنعت محیط پیرامونی خود تلاش می‌کند تا با توسعه فرهنگ بنگاهی و سرمایه‌گذاری دانشگاهی، تشویق استفاده از آموزش مادام‌العمر و تبدیل دانش به کاربردها نیازهای حرفه‌ای دانشجویان را به طور اثربخشی تأمین کند. نقش دانشگاه کارآفرین به طور فزاینده‌ای جهت یافتن راه‌های جدید برای رقابت و موفقیت در محیط‌های نامطمئن و غیر قابل پیش‌بینی و همچنین پیدا کردن راه‌حل‌های جدید برای چالش‌های متعدد در سطح محلی و یا جهانی عنوان می‌شود (هانون^۲، ۲۰۱۳). چگونگی عبور موفقیت‌آمیز دانشگاه از این گذرگاه به عوامل مختلف بستگی دارد. کمیسیون اروپا (۲۰۰۳) در استراتژی خود با عنوان «کارآفرینی در اروپا» تأکید می‌کند که نظام آموزشی باید در ترغیب کارآفرینی از طریق پرورش ذهنیت درست در خصوص کارآفرینی، ارائه مهارت‌های لازم برای کارآفرینی و افزایش آگاهی از کارآفرینی به عنوان یک فرصت شغلی ایفای نقش کند. همچنین نتایج مطالعات لی و پاترسون^۳ (۲۰۰۰) و تولیدانو و اربانو (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که محیط‌های حمایت‌گرا که می‌توان از طریق توسعه اکوسیستم‌های کارآفرینی^۴ ایجاد کرد، می‌توانند در تسهیل مسیر کارآفرینی در دانشگاه‌ها بسیار اثرگذار باشند. چنین اکوسیستم‌هایی را

^۱ Cedefop

^۲ Hannon

^۳ Lee & Paterson

^۴ entrepreneurial ecosystems

می‌توان در سطوح ملی، منطقه‌ای، محلی و نهادی یافت (فیتزر^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). به باور آیزنبرگ (۲۰۱۰ و ۲۰۱۴) ایجاد چنین اکوسیستمی که هدفش تسهیل کارآفرینی است یک عنصر کلیدی در توسعه اقتصادی به شمار می‌رود. به نظر می‌رسد در سطح نهادی، روح محیط آموزشی در دانشگاه‌ها، ارزشها و هنجارهای مشترک آن، رهبری و مدیریت اثربخش دانشگاهی و ابعاد و عناصر آموزشی و فناوری نظیر برنامه‌های درسی و فرایند طراحی آموزشی و درسی از جمله عوامل مهم در توسعه و پرورش پتانسیل کارآفرینی دانشجویی به شمار می‌آیند (رایدآوت^۲ و گری^۳، ۲۰۱۳). با این حال باید توجه نمود که میان دانشگاه‌های بزرگ مدرن از نظر میزان پذیرش کارآفرینی به عنوان یک رشته آکادمیک یا حوزه اصلی تحصیل و همچنین در میزان سرمایه‌گذاری‌های نسبی آن‌ها در زمینه توسعه اقلیم یادگیری که از دستیابی به فعالیتهای کارآفرینی حمایت می‌کند، تفاوت بسیار وجود دارد (ماتلی، ۲۰۰۸؛ موریس و همکاران، ۲۰۱۳). شاید به همین خاطر است که می‌توان اذعان نمود که محیط دانشگاهی هم به عنوان یک عامل بازدارنده و هم به عنوان یک عامل توانمندساز و شتاب دهنده در رفتار کارآفرینی در نظر گرفته می‌شود (والتر^۴ و اسمالبون^۵، ۲۰۱۱). به هر حال در راستای نیل به الگوی دانشگاهی کارآفرین، دانشگاه‌ها اغلب برای قابلیت استفاده بخشیدن به دانش تولید شده تلاش کرده‌اند تا منابع بیشتری را به این فرآیند اختصاص دهند (ون استین^۶ و همکاران، ۲۰۱۸؛ گریمالدی^۷ و گراندی^۸، ۲۰۰۵). برای این منظور، دانشگاه‌ها به انجام اقدامات مختلفی از جمله ارائه آموزش کارآفرینی (شولت^۹، ۲۰۰۴)، ایجاد دفاتر انتقال فناوری^{۱۰} و ایجاد مراکز رشد و حمایت از شرکتهای دانش‌بنیان دانشگاهی (سیگل^{۱۱}، ۲۰۰۶) و انجام تحقیقات مشترک با صنعت (آدامز^{۱۲} و همکاران، ۲۰۰۱؛ مددا^{۱۳} و همکاران، ۲۰۰۴) پرداخته‌اند.

کلارک^{۱۴} (۱۹۹۸) با مطالعه طولی بعضی از دانشگاه‌های اروپایی که که نقطه عطفی در ادبیات دانشگاه کارآفرین می‌باشد، پنج عامل را به عنوان ویژگی‌های دانشگاه کارآفرینانه در نظر گرفته که عبارتند از مرکز فرماندهی قوی، توسعه گسترده، بودجه متنوع، تحرک دانشگاهی و یک فرهنگ یکپارچه کارآفرینانه. اسپورن^{۱۵} (۲۰۰۱) اهداف، ساختار، حاکمیت مدیریتی و رهبری، شبکه‌ها و راهبردهای همکاری و فرهنگ را به عنوان ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین در نظر گرفته و بیان می‌دارد دانشگاه‌های اروپا با محیط رقابتی مواجه هستند و منابع آن‌ها در حال کاهش می‌باشد و تنها دانشگاه‌هایی می‌توانند باقی بمانند که خودشان را با شرایط سازگار کنند (به نقل از کرد نائیج و همکاران، ۱۳۹۱). اتزکوویتز^{۱۶} (۲۰۰۴) نیز رابطه نزدیک بین صنعت و دولت با دانشگاه، داشتن ساختاری پیوندی، دانش و نوسازی را به عنوان عناصر

^۱ Fetters

^۲ Rideout

^۳ Gray

^۴ Welter

^۵ Smallbone

^۶ van Stijn

^۷ Grimaldi

^۸ Grandi

^۹ Schulte

^{۱۰} technology transfer offices (TTOs)

^{۱۱} Siegel

^{۱۲} Adams

^{۱۳} Medda

^{۱۴} Clarck

^{۱۵} Sporn

^{۱۶} Etzkowitz

و عوامل اصلی در دانشگاه کارآفرین معرفی می‌کند. به باور کیریبی^۱ (۲۰۰۵) پیاده‌سازی، سازمان دهی، تشویق و حمایت، به رسمیت شناختن و پاداش، تایید و ترویج از جمله عناصر اصلی در یک دانشگاه کارآفرین می‌باشند. در حقیقت کارآفرینی یک گزینه مهم شغلی است که فرصت‌هایی برای لذت بردن از استقلال فراهم می‌کند و به توسعه مهارت-های چندگانه و بهره‌مندی از مزایای مالی مدد می‌رساند و در توسعه اقتصادی جوامع نقش اساسی دارد. به همین دلیل دانشگاه‌های سراسر جهان بطور چشمگیری پیشنهادهای درسی و آموزشی خود را در کارآفرینی گسترش داده‌اند (دیکسون^۲ و همکاران، ۲۰۰۸؛ موریس^۳ و همکاران، ۲۰۱۳). با این حال، در تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی که به تلاش‌های کارآفرینانه دست زده‌اند، رشد قابل توجهی روی نداده‌است (سیگر^۴ و همکاران، ۲۰۱۴). کیو^۵ و همکارانش (۲۰۱۳) نرخ نسبتاً پایین استارت‌آپ‌های دانشجویی را به فقدان منابع مالی، مهارت و دانش پایین آنان در در کسب و کار، فقدان زیرساخت‌های مناسب، ضعف در ساختارهای پشتیبانی، ضعف در هدایت و توجه دانشجویان و عدم ارتباط آنان با شبکه‌های حرفه‌ای نسبت داده‌اند. شاید به دلیل همین روندها و وجود شواهدی است که دانشگاه‌ها بر تلاش خود برای تجدید نظر در مورد تأثیر رویکردهای سنتی خود در کارآفرینی افزوده‌اند (دوال کیوتیل^۶، ۲۰۱۳؛ هاسکیشن^۷ و همکاران، ۲۰۱۱).

رضایی و پژوهان (۱۳۹۸) در بررسی قابلیت‌ها و موانع فراروی دانشگاه رازی برای تبدیل به دانشگاه کارآفرین نشان دادند که اولاً وجود مجموعه‌ای از پتانسیل‌های درونی نظیر وجود سرمایه‌های انسانی متخصص و توانمند، ظرفیت تجاری‌سازی و تولید، سرآمدی و شاخص بودن در برخی گروه‌های علمی و ظرفیت بالای آموزش و قابلیت‌های استان کرمانشاه به عنوان پتانسیل بیرونی می‌توانند زمینه را برای کارآفرین شدن دانشگاه رازی تسهیل نمایند. در ثانی نتایج این مطالعه از وجود که عوامل بازدارنده درونی و بیرونی خبر داد که می‌تواند در مسیر تبدیل دانشگاه رازی به دانشگاه نسل سوم و کارآفرین ممانعت ایجاد نمایند. از نظر آن‌ها مشکلات ساختاری و فرهنگی استان کرمانشاه، مشکلات ساختاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، عدم تعامل مستمر با محیط، ضعف محتوا و سرفصل‌های آموزشی و عدم بهره‌وری پارک علم و فناوری به عنوان موانع و عوامل بازدارنده بیرونی، و عدم حمایت مسئولین دانشگاه از کارآفرینی، توقف در نسل اول و ورود نامناسب به نسل دوم دانشگاه‌ها، فقدان فرهنگ سازمانی کارآفرینانه، اعتقاد نداشتن دانشجویان به کارآفرینی، فقدان شایسته‌سالاری، عدم بهره‌وری امکانات و تجهیزات آزمایشگاهی و کارگاهی، غیرکاربردی بودن پایان‌نامه‌ها، کیفیت پایین دانش‌آموختگان، ناتوانی در جذب منابع مالی، مشکلات ساختاری دانشگاه، معنادار نبودن درصد قراردادهای پژوهشی و عدم توانایی در راه‌اندازی کسب و کارهای زایشی، از جمله موانع و عوامل بازدارنده درونی دانشگاه به شمار می‌روند که در زمینه تبدیل شدن دانشگاه به دانشگاه کارآفرین ایجاد مانع می‌کنند.

سیدرات^۸ و ایدادی فریخواب^۹ (۲۰۱۸) در بررسی روند تحول و تکامل دانشگاه کارآفرین در ۱۲۰ مرکز دانشگاهی تونس نشان دادند که تبدیل شدن یک مرکز آموزش عالی به دانشگاهی کارآفرین مستلزم ایجاد و تقویت تحولات درون

^۱ Kirby

^۲ Dickson

^۳ Morris

^۴ Sieger

^۵ Kew

^۶ Duval-Couetil

^۷ Hoskisson

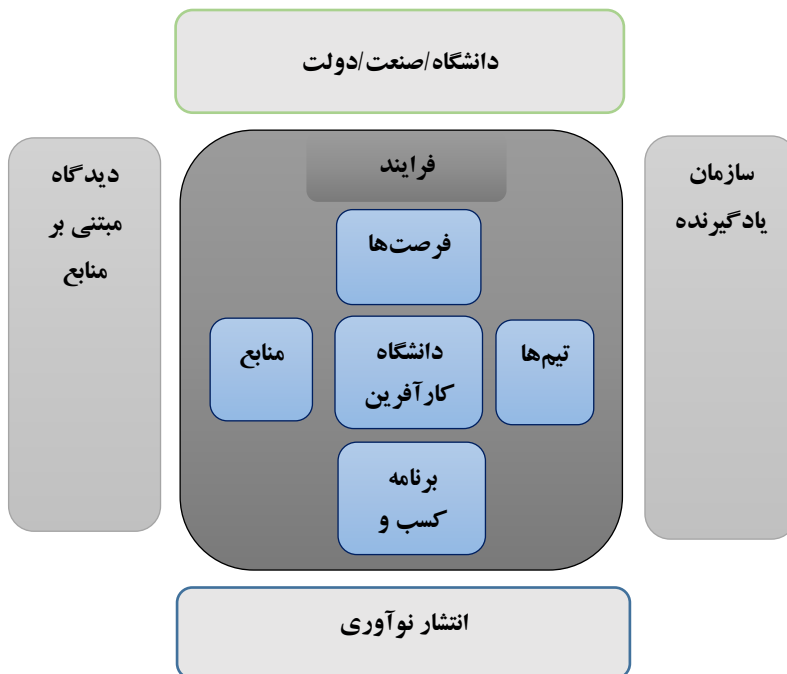
^۸ Sidrat

^۹ Ayadi Frikhab

سازمانی در دانشگاه است که در توسعه دانشگاه کارآفرین و تحقق اهداف آن مدیریت دانشگاهی نقشی مهم ایفا می‌کند. فکور (۱۳۸۷) در تحلیل مفهوم، زمینه‌های پیدایش و نحوه دستیابی دانشگاه کارآفرین بیان می‌کند که برای تبدیل دانشگاه‌ها به دانشگاه کارآفرین می‌بایست آن‌ها ابعاد ساختاری، مدیریتی و فرهنگی خود را متحول ساخته و برای ایفای کارکردهای جدیدتر لازم است زیر ساخت‌های مورد نیاز را فراهم کرده و گسترش دهند.

سلمان زاده و همکاران (۲۰۱۱) یک مدل ورودی-فرایند-خروجی-نتیجه را برای تعریف دانشگاه کارآفرین در نظر گرفتند. به نظر آنان، "دانشگاه کارآفرینی یک سیستم پویا است، که شامل ورودی‌های ویژه (منابع، قوانین و مقررات، ساختار، رسالت، قابلیت‌های کارآفرینی، انتظارات جامعه، صنعت، دولت و بازار است)، فرآیندهای (تدریس، تحقیق، فرآیندهای مدیریتی، فرآیندهای لجستیکی، تجاری، انتخاب، بودجه و فرآیندهای مالی، شبکه، تعامل چند جانبه و نوآوری، تحقیق و فعالیت‌های توسعه)، خروجی (منابع انسانی کارآفرین، تحقیقات موثر در راستای نیازهای بازار، ابداعات و اختراعات، کارآفرینی شبکه‌ها، و مراکز کارآفرینی) و اهداف بسیج همه منابع، توانایی‌های آن و قابلیت در راستای تحقق ماموریت سوم آن است.

از نظر یدالهی فارسی و همکاران (۲۰۱۲) تأکید بر منابع، امکانات، ماموریت و موانع به عنوان چهار ویژگی از مفهوم دانشگاه کارآفرین در کشورهای در حال توسعه می‌تواند به نسخه بومی آن‌ها منتج شود. از آنجایی که دانشگاه کارآفرین، بر اساس رسالت خود متمایز از سایر دانشگاه‌ها می‌باشد. در این مطالعه، ماموریت شامل پنج عنصر، یعنی نسل کارآفرین، تحقیقات کاربردی، انتقال دانش و فن آوری، سهم آن در توسعه اجتماعی-اقتصادی و توسعه فرهنگ کارآفرینی ذکر شده و منابع به دو گروه منابع سخت (منابع مالی دولت، منابع مالی خصوصی، منابع خلاق و نوآورانه مالی، منابع زیربنایی و فیزیکی، و منابع فن آوری) و منابع نرم (منابع انسانی کارآفرین و با انگیزه، منابع آموزشی و پژوهشی، پس زمینه کارآفرینی، اعتبار کارآفرینی و ساختار آموزش پویا) تقسیم می‌شود. قابلیت‌ها را نیز به شرح زیر طبقه بندی کرد: وضعیت و بومی سازی (رتبه دانشگاه، وضعیت در دیدگاه جامعه، وضعیت در دید کارشناسان، وضعیت در شبکه و شرکا)، پس زمینه، شبکه‌ها و همکاران، جذب منابع و قابلیت‌های مدیریتی مالی. در رابطه با عوامل مانع نیز دو عنصر مهم رفتار سیاسی و لابی‌گری (رفتار سیاسی و لابی‌گری دانشگاهیان، رفتار سیاسی و لابی‌گری سیاست‌گذاران، و رفتار سیاسی و لابی‌گری صنایع) و مقاومت در برابر مواجهه با روحیه کارآفرینی برای تغییر (مقاومت فرهنگی و مفهومی، مقاومت محیطی و قانونی، اعتراض در مقابل تجاری شدن دانش، مقاومت در مقابل سهم ناعادلانه درآمد، بوروکراسی و عدم وجود سیستم ارزیابی مناسب، عدم قابلیت اطمینان از دانشگاه به صنعت و بالعکس، رفتارهای مشابه در مناطق مختلف و وابستگی دانشگاه به دولت) را معرفی نموده‌اند.



شکل ۱: مدل مفهومی دانشگاه

از آنجایی که مفهوم بومی دانشگاه کارآفرین می‌تواند به سیاست‌گذاران در رسیدن به اهداف کمک کند، تحقیق حاضر نیز در نظر دارد به تحلیل موقعیت دانشگاه فنی و حرفه‌ای ایران در تناسب با موازین و شاخص‌های دانشگاه کارآفرین پردازد و چالش‌هایی که در این ارتباط با آن مواجه است را شناسایی و راهکارهایی در جهت رفع چالش‌ها معرفی نماید.

سوالات پژوهش:

۱. میزان همسویی سیاست‌ها، اهداف و راهبردهای دانشگاه فنی و حرفه‌ای با دانشگاه کارآفرین چگونه ارزیابی می‌گردد؟
۲. چالش‌هایی که مانع تبدیل دانشگاه فنی و حرفه‌ای به یک دانشگاه کارآفرین می‌شود، کدامند؟
۳. دانشگاه فنی و حرفه‌ای برای رفع موانع و چالش‌های موجود در نیل به اهداف توسعه‌ای خود از چه راهبردها و استراتژی‌هایی بهره بگیرد؟

روش پژوهش:

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی بوده به لحاظ گردآوری داده‌ها توصیفی (بررسی موردی) و با راهبرد کیفی چندگانه و از نوع تحلیل سند و پدیدارنگاری انجام شده است که روش مناسبی در جهت کشف داده‌های جدید بوده و برای مطالعات توصیفی و اکتشافی پدیده‌ها مناسب است. این بدان معناست که پژوهشگران کیفی پدیده‌ها را در

موقعیت‌های طبیعی آن‌ها مطالعه می‌کنند و تلاش می‌کنند تا پدیده‌ها را بر حسب معنایی که افراد به آن‌ها می‌دهند مفهوم‌سازی یا تفسیرکنند (گال و همکاران، ۱۳۸۴). مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر را ۷ نفر از مدیران ستادی و کارشناسان ارشد دانشگاه فنی و حرفه‌ای و ۵ نفر از کارفرمایانی تشکیل دادند که فارغ‌التحصیلان دانشگاه فنی و حرفه‌ای را به خدمت گرفته‌اند. مشارکت‌کنندگان به صورت هدفمند و با استفاده از نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند. مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در جدول ۱ نشان داده شده است. برای گردآوری داده‌ها، علاوه بر تحلیل اسناد بالادستی، از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته با مشارکت‌کنندگان استفاده شد. برای حفظ تمامی جزئیات مصاحبه‌ها ضمن کسب اجازه از مشارکت‌کنندگان، از ضبط صوت استفاده شد. زمان هر یک از مصاحبه‌ها از نیم‌ساعت تا ۴۵ دقیقه متغیر بود. با توجه به همزمانی انجام مصاحبه‌ها و تحلیل نتایج آن، فرآیند گردآوری داده‌ها با تکیه بر اشباع نظری، هنگامی که مفاهیم و گزاره‌ها انباشته شده و داده‌ها به تکرار رسیدند، خاتمه یافت. برای تحلیل یافته‌ها نیز در خصوص استاد بالادستی، از روش سندکاوی (تحلیل سند) و در خصوص متن مصاحبه‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی بهره گرفته شد.

جدول ۱: مشخصات جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

محل کار	سمت	تحصیلات	جنسیت		کد مصاحبه شونده
			مرد	زن	
دانشگاه فنی و حرفه‌ای	مدیر ارتباط با صنعت	کارشناسی ارشد	*		۱
صاحب‌نظر بازنشسته	مدیر کل سابق برنامه‌ریزی آموزش دانشگاه	کارشناسی ارشد	*		۲
دانشگاه فنی و حرفه‌ای	مشاور اجرایی معاونت آموزشی	دکتری	*		۳
دانشگاه فنی و حرفه‌ای	مدیر کل نظارت و ارزیابی	دکتری	*		۴
دانشگاه فنی و حرفه‌ای	رئیس دانشگاه	دکتری	*		۵
دانشگاه فنی و حرفه‌ای	مدیر کل برنامه‌ریزی درسی	دکتری	*		۶
دانشگاه فنی و حرفه‌ای	مدیر داخلی مجله کارآفرین	دکتری	*		۷
خزر الکترونیک	مدیر فنی	کارشناسی ارشد	*		۸
شرکت ایران خودرو	مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی	کارشناسی ارشد	*		۹
کارخانه صنایع چوب و کاغذ مازندران	مدیر عامل	کارشناسی ارشد	*		۱۰
شرکت نگار خودرو شمال	مدیر عامل	کارشناسی ارشد	*		۱۱
شرکت جویبار لوله	مدیرعامل	کارشناسی ارشد	*		۱۲

یافته‌های پژوهش

سوال ۱ پژوهش به بررسی سیاست‌ها، اهداف و راهبردهای دانشگاه فنی و حرفه‌ای پرداخته و همخوانی با موازین دانشگاه کارآفرین را مورد بررسی قرار داده است. برای این منظور با سندکاوی در اسناد بالادستی دانشگاه فنی و حرفه‌ای، به تحلیل سیاست‌های کلان، اهداف و استراتژی‌های موجود در دانشگاه فنی و حرفه‌ای پرداخت. مطالبی که در خصوص این سیاست‌های کلان، اهداف و راهبردها و استراتژی‌های پیشنهادی بیان شده است مربوط به اساسنامه دانشگاه فنی و حرفه‌ای بوده است که از کتابچه معرفی دانشگاه فنی و حرفه‌ای (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دانشگاه فنی و حرفه‌ای، ۱۳۹۲) استخراج شده است. سپس برای مقایسه جهت همخوانی با موازین دانشگاه کارآفرین؛ اهداف و

سیاست‌ها و راهبردهای دانشگاه کارآفرین مورد بررسی قرار گرفته است. خلاصه نتایج این تحلیل در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: سیاستهای کلان، اهداف و راهبردهای دانشگاه فنی و حرفه‌ای

سیاست های کلان آموزش عالی فنی و حرفه‌ای	اهداف آموزش عالی فنی و حرفه‌ای	راهبردها و استراتژیهای پیشنهادی
۱. ارائه الگویی از یک دانشگاه ارزش مدار و کارآفرین	۱. تربیت نیروی انسانی متعهد، ماهر، متخصص و کارآمد در سطوح عالی فنی و حرفه‌ای	۱. تعامل اثر بخش با کلیه دستگاهها و سازمان‌ها ی متولی آموزش های فنی و حرفه‌ای و بازار کار و سایر دانشگاهها
۲. تنوع بخشی به فرصتهای آموزش فنی و حرفه‌ای با تاکید بر محیط های یادگیری واقعی و بیشتر خارج از دانشگاه	۲. استقرار و تنظیم تشکیلات سازمانی و حرفه‌ای متناسب با ماموریت و چشم انداز دانشگاه	۲. رعایت استانداردهای کیفیت جهانی و کنترل کیفیت به صورت جامع، در فرایندهای آموزشی پژوهشی
۳. استقرار یک رویکرد حمایت از نوآوری، خلاقیت، ایده پردازی و تولید در دانشگاه فنی و حرفه‌ای	۳. ارتقای دانشگاه فنی و حرفه‌ای در تراز دانشگاه های برتر کشور(حسب شاخص های خاص خود)	۳. تسریع در مکانیزه کردن تجهیزات و بازنگری و بازمهندسی در برنامه های درسی موجود متناسب با نیاز بازار کار
۴. تمرکز بر تحولات کسب و کار و بسط اشتغال مولد	۴. افزایش قابلیت های تخصصی- مهارتی نیروی انسانی کشور و اصلاح هرم تحصیلی و شغلی	۴. رصد کردن و بهره گیری از تجربه های بین المللی بخصوص ارتباط با دانشگاهها و سازمان‌ها با ماموریت مشابه در سطوح منطقه ای و بین المللی
۵. نیاز سنجی و برنامه‌ریزی اجرای دوره های آموزشی مبتنی بر تحولات ساختار بازار کار و اشتغال	۵. ایجاد زمینه های اشتغال و بالا بردن میزان بهره وری نیروی انسانی	۵. استقرار نظام جذب و نگهداشت مدرس در حوزه های مهارتی و فنی در سطوح عالی
۶. تاکید بر حفظ ارتباط پویا با محیط های کاری	۶. پاسخگویی به نیازهای جامعه در حوزه های مهارتی و فناوری در تمام سطح آموزش عالی	۶. بسط مشارکت بخش غیر دولتی در توسعه آموزش های عالی فنی و حرفه‌ای
۷. توجه به روندهای آینده در حوزه فناوری های جدیدو پیشرفته جهت تربیت نیروی انسانی	۷. گسترش آموزش های کارآفرینی به منظور افزایش اشتغال مولد، توسعه منابع و کاهش بیکاری	۷. تنوع بخشی به ارایه خدمات، آموزشی، پژوهشی و فنی و حرفه‌ای
۸. تاکید بر مشارکت با دستگاههای اجرایی و صنایع جهت تامین نیروی انسانی، تامین مدرسان و تولید برنامه های درسی	۸. بومی سازی توسعه و آموزش های مهارتی حسب آمایش سرزمین	۸. هماهنگی و تلفیق برنامه های دانشگاه با اولویت های توسعه ملی و آمایش سرزمین
۹. بسترسازی برای اجرای آموزش همراه با تولید	۹. ارتقای سطح علمی و عملی اساتید	۹. توسعه مشارکت ذی نفعان

در جدول ۳ اهداف و ویژگی های دانشگاه کارآفرین با بررسی اسناد، جهت تطابق به اختصار آورده شده است:

جدول ۳: ویژگی‌ها و اهداف دانشگاه کارآفرین

ردیف	ویژگی
۱	خلق مشاغل جدید
۲	حمایت آموزشی، مالی و بازاریابی از کارآفرینان
۳	تولید دانش برای استفاده در بخش‌های اقتصادی
۴	آموزش‌های مهارت‌های شغلی و مدیریتی
۵	ایجاد مراکز رشد و پارک‌های فناوری
۶	ارتباط صنعت و جامعه

برای تبدیل یک دانشگاه به دانشگاه کارآفرین سه مرحله وجود دارد که کیفیت هر مرحله معمولاً و ضرورتاً براساس کیفیت مراحل قبلی است و البته ممکن است ترتیب مراحل برحسب ویژگی‌های محیطی معکوس گردد.

- در مرحله ابتدایی مؤسسه دانشگاهی، دیدگاهی راهبردی برای خود اتخاذ کرده و توانایی تنظیم و تعیین اولویت‌های خود را کسب می‌کنند.
- در مرحله دوم مؤسسه دانشگاهی نقش فعالی را در تجاری سازی داریی‌های فکری حاصل از فعالیت‌های اساتید و دانشجویان خود پیدا می‌کنند.
- در مرحله سوم مؤسسه دانشگاهی نقش پیشرویی را در بهبود محیط نوآوری محلی خود از طریق همکاری با صنعت و دولت ایفا می‌کنند.

بنابراین در فاز طراحی برنامه‌های راهبردی تدوین اصولی بیانیه چشم انداز و مأموریت، سیاستها، اهداف کلان و راهبردهای سازمانی به منزله بیان حرکت هدفمند، هماهنگ و پیوسته سازمان‌ها، نهادها و نگاه‌های اقتصادی و اجتماعی برای نیل به مقصود محسوب می‌گردد که به صورت درونزا و با مشارکت حداکثری تقریباً همه ذی‌نفعان کلیدی صورت تحقق بخود می‌گیرد. با وجود اهمیت تدوین آن‌ها در تحقق مأموریتها و اهداف سازمانی، مساله ای که مهمتر به نظر می‌رسد اجرای اثربخش و صحیح آن‌ها است. از این رو با بررسی و تحلیل اسناد و مقایسه سیاستها، اهداف و استراتژی‌های دانشگاه فنی حرفه‌ای با اهداف و مقاصد دانشگاه کارآفرین همخوانی داشته و در اسناد بالادستی این دانشگاه به همه شاخص‌های آموزشی، پژوهشی و سازوکارهای مطلوب یک دانشگاه کارآفرین عنایت شده است. بر این اساس در اسناد دانشگاه فنی و حرفه‌ای ضمن تأکید بر ارائه الگویی از یک دانشگاه ارزش مدار و کارآفرین، تنوع بخشی به فرصت‌های آموزشی داخل و خارج از محیط دانشگاه با تأکید بر محیط‌های واقعی کار، اتخاذ رویکردی حمایت‌گرا از نوآوری، خلاقیت، ایده پردازی و تولید دانشگاهی، نیاز سنجی و برنامه‌ریزی اجرای دوره‌های آموزشی با تمرکز بر تحولات فضای رصد مستمر روندهای آینده در حوزه فناوری‌های جدید و پیشرفته و تأکید بر همکاری و مشارکت با نهادهای اجرایی و بنگاه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی و در دستور قرار گرفته است. اما نکته تأمل-برانگیز این است که همسویی مسیر حرکت دانشگاه فنی و حرفه‌ای با رویکرد مورد انتظار اقدامی شایسته و ضروری است، اما کافی نیست. این امر باید در میدان عمل و فرایندهای آموزشی و پژوهشی عنیت و نمود بیابد.

سؤال ۲: دانشگاه فنی و حرفه‌ای در نیل به اهداف با چه چالش‌هایی مواجه است؟

برای دستیابی به آسیب‌ها و چالش‌های فراروی دانشگاه فنی و حرفه‌ای در رسیدن به اهداف مطلوب دانشگاه با مطلعان کلیدی که تماس نظری و عملی ممتدی بامسئله پژوهش داشتند، مصاحبه شد و تجارب و نگرش‌های آن‌ها را در این خصوص تحلیل و نتایج آن بصورت کدگذاری آزاد و مفهومی دسته‌بندی گردید. این نتایج در قالب ۱۱۷ گزاره مفهومی اولیه، ۱۴ مقوله فرعی و ۳ مقوله اصلی در جدول ۴ گزارش شده‌است.

جدول ۴: نتایج کدگذاری باز و محوری و اصلی در ارتباط با چالش‌های فراروی دانشگاه فنی حرفه‌ای

چالش‌های محیطی و زمینه‌ای	چالش‌های ساختاری	چالش‌های محتوایی
فشارهای سیاسی (دخالهت سیاسیون و فشار نمایندگان مجلس در ایجاد آموزشکده‌های فنی)	سیاست کلان جامعه (نبود یک سیاستگذار کلان نیروی انسانی در کشور)	ضعف ورودی‌ها (جدا سازی کنکور و نحوه جذب، حذف درسهای پایه در دوره هنرستان، هدایت تحصیلی ضعیف در هنرستان و ورود دانش‌آموزان ضعیف به آموزشکده‌ها، ضعف هنرجوها در دروس نظری)
به رسمیت نشناختن دانشگاه فنی و حرفه‌ای (عدم باور مسئولین، تغییر نگرش مدیران، بینش جامعه و ارزشمند نبودن آموزشهای مهارتی)	مدیریت متمرکز (قائم به فرد بودن مدیریت و عدم ثبات مدیریتی)	ضعف کادر آموزشی و وضعیت مدرسین (عدم بهره‌مندی از منابع انسانی مناسب، به روز نبودن مدرسین، مشخص نبودن وضعیت مدرسین جهت استخدام یا هیئت علمی، برخورد بومی با مدرسین و فرسودگی شغلی)
عدم ارتباط بین المللی دانشگاه فنی و حرفه‌ای (عدم ارتباط با بازارهای جهانی و استفاده از تجارب بین المللی)	ساختار سازمانی (عدم انعطاف ساختار سازمانی، عدم تناسب ساختار با ماموریت)	توسعه کمی (غلبه کمیّت بر کیفیت آموزشها، رقابت بی‌رویه سازمان‌ها ی فنی و حرفه‌ای در کمی و کمبود رقابت کیفی بین نظامهای موجود آموزشهای مهارتی)
مشکلات اقتصادی و کمبود تجهیزات (به روز نبودن تجهیزات و پابین بودن هزینه سرانه دانشگاه با توجه به مهارتی بودن و نیاز به تجهیزات، بودجه پابین جهت ساخت فضای آکادمیک)	مشکلات برنامه‌ریزی (عدم نیاز سنجی، عدم هماهنگی، عدم جهت دهی و ساماندهی، و نداشتن هیئت ممیزه برای برنامه ریزی، سیکل طولانی برنامه‌ریزی و به روز نبودن برنامه‌ها، تصمیم‌گیری توسط افراد ناآگاه، بی‌توجهی به آمایش سرزمین و رشد بی‌رویه برخی رشته بدون در نظر گرفتن بازار کار و مزیت منطقه‌ای، محدودیت برخی رشته‌ها در دانشگاه (برای برخی از رشته‌ها در هنرستان، امکان ادامه در دانشگاه وجود ندارد)، عدم اطلاعات شفاف از بازار کار	مقوله برنامه درسی (حجم زیاد کتابها، تالیف زیاد در زمان کم، بی‌توجهی به توالی عمودی و افقی مطالب، حضور افراد غیر متخصص در برنامه‌ریزی درسی، منظور نکردن نظرات متولیان صنعت، خدمات و کشاورزی در برنامه‌ریزی درسی، به روز نبودن محتوا)
مستقل عمل کردن	موازی کاری دانشگاه فنی و	

	<p>حرفه‌ای با سایر نهادهای آموزشی مهارتی (توسعه کمی و فعالیت منفصل سازمان‌ها مانند سازمان فنی و حرفه‌ای، دانشگاه علمی کاربردی و دانشگاه فنی و حرفه‌ای و عدم هماهنگی نهادهای مختلف ارائه کننده خدمات آموزش مهارتی)</p>	<p>دانشگاه فنی و حرفه‌ای و عدم ارتباط با صنعت و بازار کار</p>
--	--	--

براساس جدول ۴ صاحب‌نظران مورد مطالعه، مقوله‌های ذکر شده را به عنوان چالش‌های فراوری دانشگاه فنی حرفه‌ای دانسته اند، که وجود این چالش‌ها میزان انطباق سازو کارهای سیاستی و **برنامه‌ریزی** دانشگاه فنی و حرفه‌ای را برای رسیدن به اهداف مورد نظر را کاهش خواهد داد.

در سوال ۳ پژوهش تلاش شد تا بر اساس تجارب و دیدگاه مشارکت‌کنندگان برای برون رفت از این وضعیت و حل چالشها، راهکارهایی نیز ارائه شود. یافته‌های بدست آمده در این بخش نشان می دهد که برای بهبود فرایندهای اجرایی، آموزشی و پژوهشی در دانشگاه فنی و حرفه‌ای و افزایش همسویی آن با دانشگاه کارآفرین، لازم است اصلاحات لازم در سیاستها، اهداف و استراتژی‌های اجرایی، آموزشی و پژوهشی صورت گیرد که اهم آن‌ها ذیلأ تحلیل می‌گردند.

۱. اعاده استقلال علمی و عملی دانشگاه فنی و حرفه‌ای و کاهش فشارهای سیاسی:

یکی از ویژگی‌های دانشگاه‌های مدرن و پیشرو در جهان برخورداری آن‌ها از ساختاری منعطف، غیرمتمرکز و دارای استقلال علمی و عملی در حوزه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و انتخاب زمینه‌های رشد و توسعه دانشگاهی است. با این وصف دانشگاه فنی و حرفه‌ای به دلیل ارتباط سازمانی طولانی با وزارت آموزش و پرورش و تأسی از الگوی بسته سازمانی و فرهنگ حاکم بر آن وزارتخانه، علیرغم اینکه رسماً از سال ۱۳۹۰ به عنوان یک پردیس دانشگاهی مستقل معرفی شده است و بر پایه یک الگوی پلی تکنیکی قرار بود ارتباط عمیقی با بازار کار داشته باشد و هرگونه توسعه‌ای در ابعاد مختلف آن می‌بایست بر پایه چنین ملاحظاتی استوار گردد، اما در عمل نتوانسته است ارتباط سازمانی خود با وزارت آموزش و پرورش و یک فرهنگ دانشگاهی-سازمانی خاص خود را بنیاد نهد. به علاوه مدیران آن به شدت تحت فشار جریانات سیاسی مختلف هستند و برنامه‌های توسعه دانشگاه عمدتاً به دلیل چنین فشارها و دخالت‌هایی از مسیر طبیعی و منطقی خود خارج می‌گردد. در این ارتباط مصاحبه شونده شماره ۲ پیشنهاد می‌کند که «نمایندگان مجلس و دیگر طیف‌های سیاسی به جای درخواست برای ایجاد مراکز جدید دانشگاه در مناطق مورد نظر خود به مدیران دانشگاه کمک کنند تا ارتباط دانشکده‌های موجود را با محیط و فضای بیرون تقویت کنند».

اعاده استقلال علمی و عملی دانشگاه فنی و حرفه‌ای پیشنهادی جهت برون رفت از چالش محیطی زمینه ای در بخش فشارهای سیاسی (دخالت سیاسیون و فشار نمایندگان مجلس در ایجاد آموزشکده های فنی) برای کسب تایید و اعتبار از جوامع محلی است. یکی از مشکلات عمده ای که در سال های اخیر با آن مواجه هستیم حضور سیاسیون و نمایندگان مجلس در امر توسعه کمی دانشگاه هاست و دانشگاه فنی و حرفه‌ای نیز از این رویداد مستثنی نبوده است. در این میان متصدیان امر آموزش عالی مخصوصاً دانشگاه فنی و حرفه‌ای که رسالت عمده شان تربیت تکنسین های ماهر متناسب با نیاز جامعه است به جای توسعه کمی ناشی از فشار سیاسیون باید اختیار عمل را به دست بگیرند و دانشگاه را در چارچوب رسالتشان احیا نمایند.

۲. ارتقای جایگاه علمی و اجتماعی دانشگاه فنی و حرفه‌ای:

علیرغم نقش مهم و تحول‌ساز و کارکردهای مهمی که دانشگاه فنی و حرفه‌ای به عنوان یک دانشگاه نسل سومی می‌تواند در نظام آموزش عالی از خود نشان دهد، اما هنوز نه از طرف مسئولین امر و نه از طرف جامعه جایگاه بایسته‌ای کسب نکرده است و ارزشمندی آموزشهای مهارتی برای آنان هنوز محرز نیست. لذا ضرورت دارد تا در قدم اول در نگرش مردم و مسئولین نسبت به این دانشگاه تغییر صورت گیرد. مصاحبه شونده شماره ۷ بر این باور است که «با تغییر نگرش و تقویت تفکر مدیران ارشد نظام آموزش عالی و همچنین تغییر نگرش اجتماعی نسبت به اعتبار و وجهه آموزش فنی و حرفه‌ای و دانشگاه فنی و حرفه‌ای، می‌توان به رشد و توسعه همه جانبه دانشگاه مدد رساند». از نظر مصاحبه شونده شماره ۴ برای تغییر ذهنیت منفی والدین نسبت به آموزشهای فنی و حرفه‌ای پیشنهاد می‌کند که:

«در انجمن اولیا و مربیان و ارتباط با والدین برای رسیدن جهت تغییر نگرش متخصصین و صاحبان نظر بیایند، روشنگری کنند افراد را از آینده مطلع کنیم تا کمتر با مقاومت برای رشته های فنی مواجه شوند».

ارتقای جایگاه علمی و اجتماعی دانشگاه فنی و حرفه‌ای پاسخ مناسبی برای چالش به رسمیت نشناختن دانشگاه (عدم باور مسئولین، تغییر نگرش مدیران، بینش جامعه و ارزشمند نبودن آموزشهای مهارتی) در زمینه چالش محیطی زمینه ای است. در این راستا نیاز است که از دوره متوسطه بر آگاهی والدین و جامعه با استفاده از تبلیغات گسترده جهت اطلاع رسانی به نیاز جامعه به تکنسین های ماهر کار شود و اهمیت آن انجام شود و این امر محقق نمی‌شود تا زمانی که مسئولین امر بر این مهم معتقد نباشند و صحنه نگذارند.

۳. بهره گیری از رویکردهای آمایشی در فرایند برنامه‌ریزی توسعه دانشگاه فنی و حرفه‌ای:

دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در خلاء فعالیت نمی‌کنند. از طرف دیگر پارادیم غالب بر الگوی توسعه دانشگاهی در دنیا مؤسسات دانشگاهی را بسوی پذیرش نقش مسؤانه‌تری نسبت به جامعه و اهتمام در حل و فصل چالش‌های اقتصادی و اجتماعی جاری و آینده در آن رهنمون می‌کند. از این رو از نظام آموزش عالی کشور انتظار می‌رود مسیر توسعه خود را با این روند تحولی همسو نماید. اما تحلیل روند جاری در دانشگاه فنی و حرفه‌ای نشان می‌دهد که این دانشگاه نسبت به پاره‌ای از این ملاحظات بی توجه بوده و بدون توجه به مزیت‌های نسبی مناطق مختلف کشور، بازار کار و بی توجه به نتایج مطالعات آمایش سرزمین، رشد بی رویه برخی رشته‌ها را کلید زده است. بنابراین لازم است سیاستگذاران آموزش عالی کشور و مدیران ارشد دانشگاه با بازبینی در سیکل و فرایند برنامه‌ریزی با انجام نیاز سنجی از تحولات بازار کار و احصای نیازهای مختلف جامعه هدف، اصلاحات لازم را در برنامه و دوره‌های آموزشی ملحوظ و زمینه پذیرش دانشجو در برخی از رشته‌ها محدود نمایند. در این ارتباط دیدگاه بعضی از مصاحبه‌شوندگان قابل تأمل است:

« بر اساس آمایش های منطقه ای پذیرش دانشجو را گسترش دهیم هر منطقه ای با توجه به نیاز صنعت و خدمات و... نیازهای خاصی جهت به خدمت گرفتن نیروهای انسانی دارد.» (مصاحبه شونده شماره ۳)

«رشته‌های جدید در آمایش سرزمین باید مطرح شود. یک شکاف در آموزش و پرورش و هنرستان وجود دارد که بیش از ۱۷۰ رشته متنوع و زیر شاخه‌های رشته‌های دیگر ایجاد شده اما در دانشکده‌ها بیش از ۶۰ رشته نیست و امکان ادامه تحصیل آن‌ها در برخی رشته‌ها امکان‌پذیر نیست. مثلاً در رشته گردشگری امکان ادامه تحصیل وجود ندارد... درخصوص آمایش سرزمین کار مطالعاتی انجام شود. از نظر فرهنگی اقلیمی اقتصادی آموزش عالی رشته تعریف کنند. مثلاً رشته کشتیرانی در جنوب کشور ایجاد شود برای تعریف رشته نیازهای اقلیمی را در نظر بگیریم». (مصاحبه شونده شماره ۴)

این پیشنهاد راهبردی مربوط به مشکلات برنامه ریزی (عدم نیازسنجی، عدم هماهنگی، عدم جهت‌دهی و ساماندهی، بی‌توجهی به آمایش سرزمین و رشد بی‌رویه برخی رشته بدون در نظر گرفتن بازار کار و مزیت منطقه‌ای، محدودیت برخی رشته‌ها در دانشگاه، عدم اطلاعات شفاف از بازار کار و...) در راستای چالش‌های ساختاری دانشگاه فنی و حرفه‌ای می‌باشد. همان‌گونه که عنوان شد توسعه دانشگاه فنی و حرفه‌ای بدون توجه به فرایند برنامه‌ریزی آموزشی که قدم اول آن نیازسنجی و بررسی نیازهای جامعه هدف است انجام می‌شده که نیاز است توجه و دقت به نیازهای منطقه‌ای اساس کار قرار گیرد. همچنین تمایل آموزشکده‌ها در اکثر شهرهای ایران بیشتر به سمت رشته‌های خدماتی - به دلیل عدم استفاده از تجهیزات بروز و پرهزینه - بوده است. از این رو نیاز است به مزیت‌های منطقه‌ای نگریسته شود مثلاً در شمال کشور رشته‌های شیلات (ماهیان سرد آبی و زینتی و...)، در شهرهای صنعتی مانند اصفهان و خوزستان رشته‌های صنعت، معادن و توانیر پرداخته شود تا به بومی‌سازی تامین نیروهای انسانی در بازار کار همان منطقه کمک شود.

۴. تقویت ارتباط دانشگاه فنی و حرفه‌ای با صنعت:

شاید اولین و بلکه مهمترین نماد یک دانشگاه نسل سومی را بتوان در گستردگی و پیوستگی سیستماتیک ارتباط آن با نهادهای اقتصادی، اجتماعی و بنگاه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی جستجو کرد. تقریباً ضعف در این بعد در بیشتر مؤسسات دانشگاهی مشهود است. از این رو به باور مشارکت‌کنندگان در این مطالعه تقویت ارتباط دانشگاه با صنعت آنهم به شکلی قانونمند می‌تواند در راستای نیل به اهداف دانشگاه فنی و حرفه‌ای بسیار کارگشا باشد. مصاحبه شونده شماره ۶ در این خصوص به ضرورت اتخاذ رویکرد متعامل و مبتنی بر رعایت حسن همجواری و مبتنی بر احترام متقابل اشاره می‌کند:

«به نظر من ضمن فرو ریختن دیوار شیشه‌ای میان دانشگاه و صنعت، لازم است ضمن بهره‌گیری از رویکردهای نیازسنجی و استفاده از نتایج آن در بازبینی آموزش‌ها و توسعه برنامه‌های آموزشی، زمینه مشارکت فعال و هدفمند صاحبان صنایع در طراحی دوره‌ها و طرح‌ریزی‌های آموزشی و درسی و حتی استفاده از آنان در امر آموزش و تدریس در دانشگاه، روابط دانشگاه با صنعت تسهیل و تقویت گردد.»

مصاحبه شونده شماره ۱ به اجرای طرح «سرباز تکنیسین» به عنوان راهبردی برای تقویت ارتباط دانشگاه با صنعت اشاره می‌کند:

یک طرحی ملی ارائه دهیم که تمام ارگان‌ها و صنعت در کشور و اینکه جلوگیری شود از اینکه دانشجویان بعد از فارغ التحصیلی برای فرار از سربازی به ادامه تحصیل در کارشناسی و ارشد و دکتری می‌پردازند در حالی که گاهی نه نیاز دارند نه انگیزه و به امید اینکه مدتی سربازی را به تاخیر بیندازند،

ادامه تحصیل می‌دهند. زمانی که دانشجو فوق لیسانس شد دیگه تکنسین نیست و دنبال میز می‌گردد. ما برای اینکه این روند را کنترل کنیم پیشنهاد می‌دهیم: تمام ارگان‌ها و شرکتها کارخانه‌ها و صنایع بزرگ اگر متقاضی امریه‌های نظام وظیفه باشند با هماهنگی سه جانبه نظام وظیفه دانشگاه فنی و حرفه‌ای و آن سازمان این دانشجو به جای خدمت سربازی بعد از سه ماه آموزشی به خدمت اون سازمان یا کارخانه در بیایید. به نظر بنده باید مرجعیت صنایع را بگیریم و با صنایع مرتبط و مورد نیاز ارتباط برقرار کنیم نه صنایعی که برای انتفاع مسئولین ایجاب می‌کند تا در ارتباط باشیم»

بی‌تردید گسترش تقویت ارتباط دانشگاه‌ها با صنایع مستلزم همیاری و حمایت بی‌دریغ همه طرف‌های درگیر (دانشگاه، دولت و صنعت) در این امر است. مصاحبه‌شونده شماره ۳ از این فراتر رفته و معتقد است که:

«این رسالت دانشگاه به تنهایی پیش نمی‌رود مگر اینکه دولت، رسانه‌ها و حتی ملت باید دست بهم دهند».

اهمیت ارتباط دانشگاه با صنعت از نظر کارفرمایان نیز مورد تأکید است. آن‌ها در زمینه ارتباط دانشگاه با صنعت نیز اظهار داشته‌اند که:

«ما با خیلی از دانشگاهها ارتباط داریم مثل دانشگاه تهران، که به دانشجویان اجازه داده شد در محوطه کارخانه یک جایی را برای تحقیق روی پس ماند زباله‌های شهر کار کنند و درباره کود آن کار می‌کنند. بنابراین اگر آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای هزینه را متقبل شود یا پروژه‌هایی داشته باشد ما حاضریم با آن‌ها کار کنیم».(مصاحبه‌شونده شماره ۸)

شرکت ما با آموزشکده‌ها در ارتباط هست و گاهی در ارتباط مستقیم و ما مخصوصاً کارآموزها را با روی باز می‌پذیریم و در پایان دوره از آن‌ها می‌خواهیم ایده‌هایشان را برای ما بگویند و گاهی طرح‌های خلاقانه از توی آن‌ها در می‌آید که ما از آن‌ها استقبال می‌کنیم با این حال هنوز باید دانشگاه‌ها بیشتر به فکر باشند و به فکر کیفیت و وضعیت فارغ‌التحصیلان باشند ما هم دانشگاه و هم صنعت مسئولیم و صنعت وظیفه دارد که به این فارغ‌التحصیلان بال و پر و امکان رشد دهد...از طرفی دانشگاه باید صنعت را درک کند و درس‌هایی برای دانشجویان ارائه دهند که مرتبط و به روز باشد و دانشجو با اعتماد به نفس بیشتری وارد بازار کار شوند».(مصاحبه‌شونده شماره ۹)

یکی از مقولات مهمی که در این پژوهش به آن پرداخته شد، چالش مستقل عمل کردن دانشگاه فنی و حرفه‌ای و عدم ارتباط با صنعت و بازار کار بوده که این موضوع از مقوله‌های چالش زمینه‌ای و محتوای است. در این بخش که هم از دانشگاهیان و هم کارفرمایان مصاحبه به عمل آمد هر دو گروه در مرحله اول ادعان داشتند که ارتباط مناسبی میان دانشگاه و صنعت وجود ندارد. کارفرمایان معتقد بودند که دانشگاهیان دیواری به دور خود کشیده و فارغ از اینکه در بازار داخلی و جهانی چه می‌گذرد مشغول درسهای تئوری و نظریه‌هایشان هستند. از طرفی دیگر کارفرمایان صنعتی و بازار کار اعتمادی به تحصیل کردگان دانشگاهی ندارند. به عنوان مثال؛ شرکت‌های بزرگی مثل ایران خودرو و امثال آن خودشان اقدام به تربیت نیروی انسانی نمودند. از این رو در سال‌های اخیر شاهد پیدایش چندین دانشگاه علمی - کاربردی که در خدمت شرکت‌های خاص بودند، بوده ایم. در مرحله بعد هر دو گروه با سپری کردن یک تجربه نافرجام (هدر رفتن هزینه‌های اضافی مالی و هزینه‌های فرصت‌های از دست رفته) تمایل به ایجاد این ارتباط داشتند که این مهم نیاز به بازنگری مجدد سرفصل‌های رشته‌های دانشگاه فنی و حرفه‌ای، حمایت دولت و همکاری صنعت دارد.

۵. بازنگری اساسی در رشته‌ها، سرفصل‌ها و محتوای برنامه‌های درسی:

یکی از عناصر اصلی و اثرگذار در فرایند آموزش و تربیت دانشجویان، بهره‌گیری از برنامه‌های درسی و سرفصلها و محتوایی است که آن‌ها را با دانش تئوری جدید و مهارتها، صلاحیت‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای مورد نیاز حضور موفق در بازار کار آماده می‌سازد. از این رو با توجه به تغییرات پارادیمی در نظامهای اقتصادی، فناوری و صنعتی و ظهور جامعه و اقتصاد مبتنی بر دانش، ضرورت دارد تا دانشگاه فنی و حرفه‌ای همسو با روند تحولی جاری در مؤسسات دانشگاهی سرآمد نسبت به بازبینی و اصلاح برنامه‌ها و محتوای علمی آن‌ها به صورت مستمر اهتمام نماید. به باور مصاحبه شونده شماره ۴ «بازنگری و بازمهندسی دروس در راستای بروز شدن دوره‌های تحصیلی که که متناسب با دانش‌های نوین و نیازهای قرن باشد، ضروری است.» از طرف دیگر به باور مشارکت‌کنندگان عدم بهره‌گیری از افراد متخصص در **برنامه‌ریزی** درسی، به روز نبودن محتوا کتابها درسی و حجم زیاد آن‌ها، کم توجهی به توالی عمودی و افقی مطالب، منظور نکردن نظرات متولیان صنعت، خدمات و کشاورزی در **برنامه‌ریزی** درسی از جمله اشکالات نظام **برنامه‌ریزی** درسی در دانشگاه فنی و حرفه‌ای است که امر ایجاد یک نظام پویای برنامه‌ریزی درسی در این دانشگاه را ضرورت می‌بخشد.

مقوله برنامه درسی مربوط به چالش محتوایی دانشگاه فنی و حرفه‌ای است که مشارکت‌کنندگان در این پژوهش به آن اشاره نموده اند. همانگونه که عنوان شد نقش برنامه درسی در تاثیرگذاری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توجه به پیشرفت‌های چشمگیر جوامع در بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی، از کسی پوشیده نیست بنابراین نیاز مداوم به بروز رسانی اساسی در رشته‌ها، سرفصل‌ها و محتوای برنامه‌های درسی را الزامی می‌سازد.

۶ بازنگری در شیوه‌ها و موازین جذب دانشجو:

در شرایطی که میان دانشگاه‌های بزرگ برای جذب مستعدترین دانشجویان به سختی رقابت وجود دارد و برای این منظور از انواع امتیازها و مشوق‌های مادی، شغلی و حرفه‌ای بهره‌گیری با بهره‌می‌گیرند، محدود کردن پذیرش دانشجو به فارغ‌التحصیلان هنرستانی و دیپلمه‌های شاخه کار و دانش در دانشگاه فنی و حرفه‌ای نه تنها سبب جذب ورودی‌های سرآمد نخواهد شد، بلکه با ورود دانش‌آموزان ضعیف به آموزش‌شده‌ها از طرفی و ضعف هنرجوها در دروس نظری، افت فراگیر کیفیت علمی در میان دانشجویان پیامد طبیعی این رویکرد از پذیرش دانشجو خواهد بود. در واقع بندرت بتوان افرادی بسیار توانمند و خلاق را بتوان در جمع دانشجویان پیدا کرد. حل این مسأله مستلزم اصلاح شیوه‌ها و معیارهای پذیرش دانشجو می‌باشد. امری که در دیدگاه مصاحبه‌شوندگان شماره ۱ و ۴ انعکاس یافته است:

«در جدا سازی کنکور تنها دانش آموزان هنرستانی می توانند در آزمون ورودی شرکت کنند اگر در کلاس دانشجوی فارغ التحصیل رشته ریاضی و تجربی با دانشجوی هنرستانی سر کلاس باشند می توانند خیلی به هم کمک کنند هر چند الان یک چند راهکار برای این ورود نظری ها وجود دارد...»
(مصاحبه شونده ۱)

«اگر بتوانیم از شاخه های نظری دانشجو جذب کنیم به رشد دانشگاه کمک می کنیم و رقابت را افزایش می دهیم.» (مصاحبه شونده شماره ۴)

ضعف ورودی‌ها (جدا سازی کنکور و نحوه جذب، حذف درسهای پایه در دوره هنرستان، هدایت تحصیلی ضعیف در هنرستان و ورود دانش‌آموزان ضعیف به آموزش‌شده‌ها، ضعف هنرجوها در دروس نظری) از جمله چالش‌های محتوایی مشخص شده در این پژوهش است که شیوه جذب دانشجو در

دانشگاه فنی و حرفه‌ای را به نقد می‌کشد. راهکاری که می‌شود در این مورد ارائه نمود این است که در آزمون ورودی دانشگاه فنی و حرفه‌ای همه دانش‌آموزانی که علاقمند هستند از جمله شاخه‌های نظری نیز قادر به شرکت در آزمون شوند و بهتر است در هدایت تحصیلی دانشجویان و متقاعد کردن والدین و دانش‌آموزان قوی‌تر عمل شود. به درس‌های پایه در رشته‌های هنرستان و کارو دانش توجه بیشتری شود تا دانشجویان برای ادامه تحصیل در دانشگاه فنی و حرفه‌ای با مشکلات کمتری مواجه شوند.

۷. تقویت ارتباطات علمی و بین‌المللی دانشگاه فنی و حرفه‌ای:

عدم ارتباط دانشگاه‌ها و مراکز دانشگاهی کشور با مراکز علمی خارج از کشور و همچنین عدم استفاده آن‌ها از تجارب بین‌المللی در بهبود فرایندهای آموزشی و پژوهشی نه تنها سبب انزوای مؤسسات دانشگاهی کشور می‌شود، بلکه آن‌ها را از دامنه گسترده‌ای از تجارب و دستاوردهای علمی دیگر کشورها محروم می‌سازد. وانگهی بین‌المللی شدن مؤسسات آموزش عالی دیگر یک امر انتخابی نیست و انتظار می‌رود که همه دانشگاه‌ها برای بهبود بعد بین‌المللی خود سیاستگذاری کرده و برنامه‌ریزی نمایند. از این رو دانشگاه فنی و حرفه‌ای نیز می‌بایست در راستای تقویت ارتباطات بین‌المللی خود، تعامل هرچه بیشتر با مراکز معتبر علمی دنیا را در دستور کار قرار دهد. دیدگاه مصاحبه‌شونده شماره ۶ در این خصوص تأمل برانگیز است:

«بی‌تردید تقویت روابط دانشگاهی در مقیاسی فراتر از مرزهای کشور به ما کمک می‌کند تا هم خود را به دیگران بشناسیم و ظرفیت‌های علمی و پژوهشی خود را به دیگران بشناسیم و هم از پیشرفت‌های علمی و استانداردهای جدید در حوزه علم و فناوری آگاه شویم. این کار به ما اجازه خواهد داد تا نسبت به بهبود کیفیت خدمات دانشگاهی خود اقدام و مسیر خود را با روند جاری در نظام آموزش عالی بین‌المللی همسو نماییم.»

این امر به تعبیر و شکل دیگری مورد تأیید مصاحبه‌شونده شماره ۳ و ۴ قرار گرفته است:

«با تعامل و تبادل با کشورهای دیگر و کشورهای منطقه، تجربه‌های علمی را از آن‌ها بگیریم و تجربه‌های خودمان را منتقل کنیم که یک مبادله بین‌المللی ایجاد شود.» (مصاحبه‌شونده شماره ۳)

«با مطالعه در خصوص تجارب دیگر کشورها بیاییم بررسی کنیم که در دنیا چه کاری انجام دادند که افراد گرایش به فنی دارند؟ و آیا صنعت جوابگوی این افراد هست و چگونه افراد گرایش پیدا کنند؟» (مصاحبه‌شونده شماره ۴)

عدم ارتباط بین‌المللی دانشگاه فنی و حرفه‌ای (عدم ارتباط با بازارهای جهانی و استفاده از تجارب بین‌المللی) مقوله‌ای مربوط به چالش‌های محیطی زمینه‌ای بوده است. همانگونه که در مباحث قبلی عنوان شد از آنجایی که موضوع مستقیم دانشگاه فنی و حرفه‌ای صنعت، خدمات و کشاورزی و شاخه‌های فنی دیگر است. هر روزه ما شاهد پیشرفت دنیا در این مباحث هستیم و بدون اطلاع از پیشرفت‌ها و راهکارهای موجود جهانی، پیشرفت‌های داخلی در این زمینه‌ها غیر ممکن است. برای بهبود این روند نیاز است که از استاتید بین‌المللی استفاده شود و همانند سال‌های شروع به کار آموزش عالی (تاسیس دارالفنون) در ایران، استاتید و کارشناسانی را جهت کسب تجربه و دانش به کشورهای مختلف که در

رشته‌های گوناگون سرآمد هستند، فرستاد. شرکت در جشنواره‌ها، کنفرانس‌ها و همایش‌های بین‌المللی و برگزاری جشنواره‌های داخلی با حضور کشورهای صنعتی بزرگ راهکارهای مناسبی برای ایجاد ارتباطات بین‌المللی هستند.

۸. روزآمد کردن تجهیزات و فناوری‌های آموزشی:

امروزه در دانشگاه‌ها و دیگر مؤسسات آموزشی و پژوهشی فراهم کردن تجهیزات و فناوری‌های مدرن آزمایشگاهی و کارگاهی و بهره‌گیری از چنین امکاناتی در فرآیند تدریس و آموزش جزو اولویت‌های بسیار مهم در امر توسعه آموزش عالی محسوب می‌گردد. بر این اساس و با توجه به ماهیت رویکردهای آموزشی عملگرایانه در فرآیند آموزش، بخش قابل توجهی از وقت دانشجویان بجای حضور در کلاس‌ها، در محیط‌های کارگاهی و آزمایشگاهی صرف خواهد شد. از این رو بهره‌گیری از تجهیزات پیشرفته و بروز آموزشی در فضاهای غیر کلاسی، ضمن بهبود کیفیت یادگیری دانشجویان، به تقرب بیشتر دانش و مهارت آنان با شرایط واقعی در میدان عمل و محیط‌های واقعی کار کمک می‌کند. این در حالی است که محدودیت در تأمین تجهیزات لازم و مناسب و به روز نبودن تجهیزات موجود به دلیل محدودیت منابع مالی و اعتبارات تخصیصی و پایین بودن هزینه سرانه دانشگاه با توجه به مهارتی بودن دوره‌های آموزشی به یک چالش جدی تبدیل شده است. از نظر مصاحبه‌شونده شماره ۲:

«تجهیزات را باید به روز کنیم چون رسالت دانشگاه ما با بقیه دانشگاه‌ها فرق میکند به خصوص در رشته‌ای موثر در پیشرفت کشور مثل رشته‌های تاسیسات ریخته‌گری محور کار روی تکنسین‌ها متمرکز است و یک تکنسین که وارد بازار کار می‌شود از نظر حرفه‌ای باید به عملیات کاری مسلط باشد و دستیابی به این منظور تجهیزات و مواد می‌خواهد. کسی که کسب مهارت می‌کند سهم عملیات نیست به تئوری بیشتر و این هزینه بیشتری می‌خواهد».

یک مقوله در بخش چالش‌های محیطی زمینه‌ای؛ مشکلات اقتصادی و کمبود تجهیزات (به روز نبودن تجهیزات و پایین بودن هزینه سرانه دانشگاه با توجه به مهارتی بودن و نیاز به تجهیزات، بودجه پایین جهت ساخت فضای آکادمیک) است. با توجه به اینکه دروس دانشگاه فنی و حرفه‌ای بیشتر عملی و کارگاهی برگزار می‌شود. تجهیزات بروز و به اندازه کمک شایانی در بهبود کیفیت یادگیری خواهد کرد. از این رو نیاز است در بخش **برنامه‌ریزی** و بودجه در آموزش عالی سرانه بیشتری جهت تجهیزات فنی به ازای هر کارموز در نظر گرفته شود تا رسالت تربیت تکنسین ماهر در این دانشگاه محقق شود.

۹. جذب و نگهداشت اساتید توانمند و دارای شایستگی علمی و پداگوژی:

یکی از عوامل مهم و اثرگذار در فرآیند آموزش و یادگیری اساتید، مدرسان و مربیان کارآمد است که علاوه بر دانش تخصصی با اصول آموزش و پداگوژی مدرن و اثربخش آشنا هستند. با این وصف تحلیل سوابق علمی و آموزشی مدرسان شاغل به تدریس در این دانشگاه نشان می‌دهد که دانشگاه از وضعیت و کیفیت حرفه‌ای مدرسان به دلیل ضعف علمی و فنی کادر آموزشی و عدم بهره‌مندی از منابع انسانی مناسب، به روز نبودن آن‌ها از نظر علمی و حرفه‌ای و پدیده فراگیر فرسودگی شغلی در میان آن‌ها، راضی نیست. شاید علت عمده این مسأله عدم استقلال دانشگاه از طرفی و الزام آن به بکارگیری آن دسته از افرادی بوده قبلاً در استخدام وزارت آموزش و پرورش بوده و با تفکیک دانشگاه از آن نهاد، به صورت اتوماتیک در شمار مدرسان دانشگاه درآمده و زمینه‌های اداری و حقوقی نیز به مدیران دانشگاه اجازه

تعدیل آن‌ها را نداده است. در نتیجه تداوم این مورد در نهایت سبب افت کیفیت فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و دانشجویی و ناکام ماندن دانشگاه در نیل به اهداف مربوط خواهد شد. در این ارتباط مصاحبه‌شوندگان اعتقاد دارند که:

«آموزش به عنوان یک فرایند ارتباطی پیچیده و چندوجهی نیازمند چیزی بیشتر از دانش تخصصی است. تربیت اساتید و مدرسان شایسته نیازمند استفاده از یک سازوکار تربیتی ویژه ای است که متقاضیان تدریس در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی را متناسب با فضای بسیار حساس در فرایندهای یاددهی و یادگیری و ملزومات حرفه‌ای آن بویژه در دانشگاه فنی و حرفه‌ای آماده نماید...» (مصاحبه شونده شماره ۷)

«دانشگاه خود به تربیت نیروی انسانی بپردازد و برای به روز آوری مدرسین اقدام کند و...» (مصاحبه شونده شماره ۲)

«مدرسان و رویکرد آن‌ها نیز تغییر کند مباحث تئوری را نیز به همراه مهارت‌ها افزایش دهند و تقویت کنند از این رو کیفیت آموزش نیز بالا می‌رود. حداقل از هیئت علمی بومی استفاده کنند یعنی مال خود دانشگاه باشند و از بیرون هیئت علمی قبول نکنند چون آن‌ها با فضای دانشگاه آشنایی بیشتری دارند...» (مصاحبه شونده شماره ۴)

ضعف کادر آموزشی و وضعیت مدرسین (عدم بهره مندی از منابع انسانی مناسب، به روز نبودن مدرسین، مشخص نبودن وضعیت مدرسین جهت استخدام یا هیئت علمی، برخورد بومی با مدرسین و فرسودگی شغلی) مقوله چالش محتوایی است. جهت برون رفت از این چالش کادر مدرسان باید از افراد شایسته و توانمندی انتخاب شوند برای این منظور شیوه جذب آن‌ها مانند سایر مدرسان دانشگاه‌ها در سامانه جذب وزارت علوم گزینش و جذب و با بروز بودن و تلاش در فرایند آموزش و پژوهش مسیر ارتقا را طی کنند.

۱۰. بهره‌گیری از اصول آموزش کارآفرینی در فرایند آموزش و یادگیری:

تبدیل دانشگاه‌ها و مؤسسات دانشگاهی در دنیا به دانشگاه‌های کارآفرین بخشی از روند رو به جلو و برگشت ناپذیر تحول در نظام آموزش عالی دنیا است. تقریباً همه دانشگاه‌های صاحب نام دانشگاه در جهان تلاش کرده اند تا با تأکید بر ویژگی‌ها و شاخص‌های آموزش کارآفرینی و فراهم کردن بسترها و ملزومات آموزش کارآفرینی در فرایندهای آموزشی خود، به مؤسساتی کارآفرین تبدیل شوند و صد البته به دستاوردهایی هم نائل آمده اند. به باور گیب (۲۰۱۳) دانشگاه کارآفرینی، دانشگاهی است که اولاً به منظور توانمندسازی دانشجویان و اساتید برای نشان دادن کارآفرینی، نوآوری و خلاقیت در آموزش، تحقیق و ماموریت سوم دانشگاهی طراحی شده است. ثانیاً فعالیت‌های آن جهت تقویت یادگیری، تولید دانش و تبادل در یک محیط بسیار پیچیده و در حال تغییر در جامعه انجام می‌شود. ثالثاً به عنوان یک سازمان، خود را وقف ایجاد ارزش‌های عمومی از طریق فرآیندهای تعامل آزاد کرده است. برای همسویی مسیر دانشگاه فنی و حرفه‌ای با این روند، انتظار می‌رود اقدامات بایسته‌ای صورت گیرد، امری که از نظر مصاحبه‌شوندگان دور نمانده است:

«اطلاعات درست از بازار کار جمع آوری شود، رشته‌ها به روز شود و بیشتر دروس عملیاتی شود. مخصوصاً روحیه کارآفرینی را به دانشجویان آموزش دهند...» (مصاحبه شونده شماره ۱۲)

«اساتید نسبت به دانشجویان سخت‌گیری بیشتری داشته باشند و دانشجویان درگیر کار عملی شوند و واحد پروژه کارورزی را جدی بگیرند...» (کارفرمای شماره ۸)

«دانشگاه باید صنعت را درک کند و درسهایی برای دانشجویان ارائه دهند که مرتبط و به روز باشد و دانشجو با اعتماد به نفس بیشتری وارد بازار کار شوند». (کارفرمای شماره ۹)

۱.۱. حمایت از شرکتهای دانش بنیان و استارت‌آپ‌های اساتید و دانشجویان:

ظهور شرکت دانش بنیان در مؤسسات آموزش عالی که معرف نمادین دانشگاه‌های کارآفرین می‌باشند، نقش مهمی در توسعه نوآوریهای علمی و فناوری و تسریع فرایند تجاری‌سازی و تبدیل ایده‌های خلاقه به محصول و همچنین اتصال دانشگاه‌ها به بنگاه‌های اقتصادی و صنعتی دارد (استین و همکاران، ۲۰۱۸). نیازمند حمایت و پشتیبانی همه جانبه مدیریت ارشد دانشگاه است. وجود قدرتمند این شرکت‌ها در دانشگاه‌ها می‌تواند برند دانشگاهی را در میان مجامع علمی و فناوری وجهه و اعتبار بخشد و زمینه را برای جذب دانشجویان خلاق در دانشگاه فراهم می‌سازد. در حالیکه مصاحبه شونده شماره ۶ پیشنهاد می‌کند که:

«دانشگاه فنی و حرفه‌ای برای کمک به برپایی شرکتهای نوپای دانش بنیان دانشجویی علاوه بر بهره‌گیری از تمامی ظرفیتهای علمی، تخصصی، کارگاهی و آزمایشگاهی خود، تلاش کند تا با توجه به ارتباطات نزدیکش با بخش‌های صنعتی و تولیدی، حمایت و پشتیبانی مالی و فنی آن‌ها را نیز جلب نماید.»

نظر به اهمیت مدیریت صحیح این شرکتهای مصاحبه شونده شماره ۳ نیز اعتقاد دارد که «اگر مدیریت شرکت‌های دانش بنیان را با محوریت خود دانشگاه به دست بگیریم به راحتی می‌توانیم از استعدادهای بالقوه اساتید و دانشجویان بهره ببریم.»

راهبرد ۱۰ و ۱۱ مربوط به چالش ساختاری دانشگاه فنی و حرفه‌ای است که مربوط به سیاست کلان و ساختار سازمانی است که توضیحات آن در سطور بالا مفصل ارائه شده است.

بحث و نتیجه گیری

ایجاد و توسعه مراکز دانشگاهی کارآفرین نقش مهمی در پیشبرد اقتصاد دانش بنیان جهانی ایفا خواهد کرد (لازرتی^۱ و تاولتی^۲، ۲۰۰۵). زیرا رسالت دانشگاه کارآفرین در محیط پویا اقتصاد مبتنی بر دانش، پشتیبانی از توسعه اقتصادی است که از طریق افزایش میزان و کیفیت تحقیقات و انتقال سریع چنین دانش جدیدی به جامعه از طریق آموزش و کارآفرینی صورت تحقق بخود می‌گیرد (سلطان، ۲۰۱۷). بنابراین به صورت تئوری از دانشگاه‌های کارآفرینی انتظار می‌رود که از نظر سازماندهی به گونه ای اداره شوند که بتوانند با انعطاف‌پذیری، بطور راهبردی و منسجم به فرصت‌های محیط پاسخگو باشند. بنابراین هدف برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران آموزش عالی کشور نیز از ارائه طرح‌های تحولی و همین‌طور معرفی اشکال جدید مؤسسات دانشگاهی بویژه نسل جدید دانشگاه‌های در سال‌های اخیر علاوه بر همسو کردن مسیر توسعه آموزش عالی کشور با شرایط روز دنیا، بلکه بهبود کیفیت خدمات آموزشی و پژوهشی و تحکیم پیوند نهاد دانشگاه با جامعه و تبدیل مؤسسات دانشگاهی به مراکز پاسخگو می‌باشد. بنابراین تأسیس دانشگاه‌هایی چون دانشگاه فنی و حرفه‌ای در یک دهد اخیر می‌بایست در چنین فضایی معنا گردد. بنابراین از آنجایی که دانشگاه فنی و

^۱ Lazzeretti

^۲ Tavoletti

حرفه‌ای در سال‌های اخیر با هدف تربیت تکنسین تغییرات ساختاری عمیقی را تجربه کرده و تلاش کرده است تا ارتباطش با وزارت آموزش و پرورش قطع و به عنوان یک مرکز دانشگاهی کارآفرینانه عرض اندام نماید، می‌بایست هم از نظر ساختار، سیاست و استراتژی و هم از نظر برنامه‌ها، محتوای و سرفصل دروس و همچنین روش‌های آموزش و ارزشیابی نیز اساساً مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرد. با این حال شواهد امر نشان می‌دهد علی‌رغم تغییر در اسم دانشگاه، به نظر می‌رسد که دانشگاه فنی و حرفه‌ای بجای ارائه آموزش کارآفرینی و بازبینی و اصلاح کردهای سازمانی با همان روند قبلی به کار خود ادامه می‌دهد. به هر حال اصلاح سرفصل دروس به منظور کاربردی کردن، ضعف ارتباط با صنعت و نیاز جدی به ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان و اختصاص بودجه به پروژه‌های دانشجویی، کمبود تخصیص منابع اعتباری و به روز نبودن کارگاه‌ها، سیاست جذب دانشجو، سیاست جذب کارکنان و هیئت علمی و ساز و کار ارتقای آنان، انتصاب مدیران و شرایط ورودی‌ها از جمله مسائلی است که نیاز به بررسی مجدد دارد. از این رو تحقیق حاضر به آسیب‌شناسی و تحلیل وضعیت موجود در دانشگاه فنی و حرفه‌ای ایران و متشاه این آسیب‌ها پرداخته و در نهایت راهکارهایی برای اصلاح وضع موجود ارائه نموده است. به هر حال با بررسی اسناد و سیاست‌های کلان دانشگاه فنی و حرفه‌ای مشخص شده است که سیاست‌ها و اهداف دانشگاه با موازین دانشگاه کارآفرین مطابقت دارند، اما بررسی وضعیت موجود دانشگاه فنی و حرفه‌ای گویای شکاف‌هایی است که رسیدن به این اهداف را به طور کامل محقق نساخته است. از این رو برپایه دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان در این مطالعه چالش‌های شناسایی شده در سه مقوله اصلی؛ چالش‌های زمینه‌ای و محیطی، چالش‌های ساختاری و چالش‌های محتوایی دسته‌بندی شدند. مسائل ذکر شده به نوعی با شاخص‌ها و ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین که توسط سیدرات و ایادی فریخواب (۲۰۱۸)، رضایی و پژوهان (۱۳۹۸)، گیب (۲۰۱۳)، موریس و همکاران (۲۰۱۳)، سلمان زاده و همکاران (۲۰۱۱)، یدالهی فارسی و همکاران (۲۰۱۲)، دیکسون و همکاران، ۲۰۰۸ و فکور (۱۳۸۷) تعیین شده‌اند، همخوانی داشته است.

تحلیل نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که دانشگاه فنی و حرفه‌ای با مجموعه‌ای از چالش‌ها روبرو است که تداوم آن‌ها مسیر توسعه آن دانشگاه را مسدود و یا محدود می‌سازد. از جمله این مسائل می‌توان به وجود مشکلات در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کلان، منعطف نبودن ساختار سازمانی، مستقل عمل کردن دانشگاه و بی‌توجهی به بازار کار، به رسمیت نشناختن دانشگاه، برنامه‌ریزی درسی نامناسب، موازی کاری دانشگاه با سایر نهادهای آموزش مهارتی، ضعف کادر آموزشی، آشنا و به روز نبودن اکثر مدرسین از تکنولوژی روز، توسعه کمی و بی‌توجهی به کیفیت آموزش دانشگاهی، مدیریت متمرکز، فشارها و دخالت‌های سیاسیون، مشکلات اقتصادی و کمبود تجهیزات، ضعف مدرسین و عدم ارتباط بین المللی به روز نبودن تجهیزات در آموزش‌شده‌ها، نبود عدم استفاده از تدابیر مناسب جهت ارتباط با صنعت و هم‌چنین دسترسی نداشتن به اطلاعات شفاف و کافی از نیاز بازار کار اشاره کرد.

نگاهی به جایگاه و اعتبار جهانی آموزش عالی کشور از سویی و قدمت و قامت مؤسسات دانشگاهی آن از سوی دیگر به ویژه در مقایسه با تجارب آموزش عالی دیگر جوامع نشان م دهد سیاست‌ها، استراتژی‌ها و رویکردهای توسعه ای در این حوزه از توفیق چندانی برخوردار نبوده و به دستاورد در خوری نه از بعد آموزشی و نه از بعد پژوهشی دست نیافته است (عزیزی، ۱۳۹۶). هرچند این ناکارآمدی ریشه در علل و عوامل متعددی دارد که خود ناظر بر پیچیدگی و چندوجهی بودن نظام آموزش عالی است، اما در این میان تداوم تمرکز ساختاری در آموزش عالی کشور نه تنها در تباین کامل با مبانی و بسترهای معرفتی مربوطه است بلکه سبب شده چابکی، کارآمدی، سرزندگی و قدرت هموردی علمی و آموزشی، از مؤسسه‌های دانشگاهی کشور سلب شود. این در حالی است که در آستانه ورود به قرن بیست و یکم و شکل‌گیری جامعه دانشی (جامعه مبتنی بر دانایی) و یا جامعه اطلاعاتی، ضرورت بازتعریف روابط میان

مؤسسه‌های دانشگاهی و جامعه را بیش از پیش آشکار ساخته است. با وجودی که آموزش عالی به شدت در حال رشد است و نقش و مشارکت دانشگاه آن در موفقیت اقتصادی مهم ارزیابی شده است، ولی امروزه تقریباً در همه جوامع، نظام‌های آموزش عالی تحت فشار هستند تا مطابق با شرایط نوین اقتصادی و انتظاراتی در حال پدید ناشی از آن تغییر یابند. هفتمین راهبرد کلان برای توسعه علم و فناوری در نقشه جامع علمی کشور نیز جهت‌دهی آموزش، پژوهش، فناوری و نوآوری به سمت حل مشکلات و رفع نیازهای واقعی و اقتضات کشور برای تحقق مرجعیت علمی است. یکی از مهم‌ترین اقدامات در این نقشه جامع نیز میزان رفع نیازهای جامعه در شاخص‌های رتب بندی تحقیقاتی و دانشگاهی و نظام انگیزشی پژوهشگران و فناوران است. به نظر می‌رسد دانشگاه‌های کشور به تدریج به درک مناسبی از مسأله بیکاری دانش‌آموختگان رسیده‌اند که در قوانین آموزشی و پژوهش داخلی دانشگاه‌ها منعکس شده است، شاید بتوان امید داشت که در سال‌های آینده وضع دانش‌آموختگان همان قدر در نشانگر و شاخص‌های دانشگاه‌های کشور دیده شود که آمار در مورد دانشجویان آن‌ها وجود دارد. به این ترتیب دانشگاه به جای آن که دستاویزی برای به تعویق انداختن تجربه دردناک بیکاری باشد به جایگاهی برای فراگرفتن آموختنی‌های کاربردی و پژوهش در مورد نیازهای جامعه تبدیل می‌شود که دانشجو را برای کاربست این آموخته‌های واقعی آماده می‌کند.

بنابراین در راستای تعالی بخشیدن به کیفیت آموزش‌های دانشگاهی از طرفی و متمرکز کردن پژوهش‌های جاری در مراکز و مؤسسات آموزش عالی بر مسائل اقتصادی، صنعتی و فناوری کشور و کمک به حل چالش‌های جاری در جامعه به ویژه بیکاری دانش‌آموختگان از طرف دیگر، لازم است که توسعه نسل دانشگاه‌های کارآفرین در کانون توجه سیاست‌گذاری‌های توسعه آموزش عالی کشور قرار گیرد. بر این اساس باز تعریف سیاست‌های توسعه آموزش عالی کشور در این راستا برای مقابله با چالش‌های حال و آینده دانشگاه‌ها ضروری است. با این حال، لازم است یادآوری نماید که هنوز مطالعات تجربی کافی در مورد مدیریت و سازماندهی دانشگاه‌های کارآفرین در کشور وجود ندارد. از این رو انجام مطالعات میدانی و تجزیه و تحلیل‌های تجربی بیشتر و مطالعه عمیقتر ارتباط بین خصوصیات دانشگاه کارآفرین و تأثیر آن بر کیفیت آموزش و تحقیقات دانشگاهی ضروری است. با این حال یکی از شروط اصلی تحقق دانشگاه کارآفرینی آن است که اولاً در بسیاری از جنبه‌های سازمانی و ساختاری دانشگاهها و در ثانی در ویژگی‌ها و الگوهای رفتاری اساتید و دانشجویان تغییرات اساسی صورت گیرد، هرچند تغییر ذهنیت و رفتار دشوارترین چالشی است که سازمان‌ها در مسیر انجام تحولات بنیادین با آن مواجه هستند. به هر حال تأمین آزادی دانشگاهی و سطح بالای کیفیت آموزشی و تحقیق در مؤسسات دانشگاهی کشور مستلزم تحقق مفهوم دانشگاه کارآفرین در عمل است. به باور گیب^۱ (۲۰۱۳) دانشگاه کارآفرین اساساً به منظور توانمندسازی دانشجویان و اساتید برای نشان دادن کارآفرینی، نوآوری و خلاقیت در آموزش، تحقیق و انجام ماموریت سوم دانشگاهی طراحی شده است. فعالیت‌های آن جهت تقویت یادگیری، تولید دانش و تبادل در یک محیط بسیار پیچیده و در حال تغییر در جامعه انجام می‌شود و در نهایت به عنوان یک سازمان از طریق فرآیندهای تعامل آزاد، خود را وقف ایجاد ارزش‌های عمومی کرده است. از این رو برای اینکه دانشگاه فنی و حرفه‌ای بتواند در مسیری مشابه به یک دانشگاه کارآفرین قدم بردارد، تأمل بر موارد پیشنهادی زیر می‌تواند به تسهیل امور و نیل به اهداف دانشگاهی مدد رساند:

۱. دانشگاه فنی و حرفه‌ای باید یک استراتژی کارآفرینی^۲ را در سطح نهادی ایجاد کند و حمایت از اساتید و پژوهشگران و توسعه مداوم حرفه‌ای آنان و حضور و مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های میدانی و بنگاهی را در اولویت قرار دهد.

^۱ Gibb

^۲ entrepreneurship strategy

۲. دانشگاه فنی و حرفه‌ای باید در خصوص این‌که چگونه فعالیت‌های جاری دانشجویان را می‌توان با دیگر بخش‌ها و نهادهای جامعه پیوند داد، تأمل نماید تمرکز بیشتر روی نهادهای اجتماعی^۱ و کار در گروه‌های متنوع فرهنگی تحقق چنین امری را بیشتر ممکن می‌نماید.
۳. کارشناسانی که مسئولیت ارائه و هدایت فعالیت‌های بنگاهی را به عهده دارند می‌بایست برای ارتقاء کارآفرینان محلی نیز بیشتر تلاش کنند. در این راستا برجسته کردن تجارب و سرگذشت کارآفرینان صاحب نام برای دانشجویان بسیار الهام‌بخش خواهد بود. البته بهره‌گیری از طیف متنوع‌تری از مدل‌های نقش که در آن به پیشینه مختلف افراد، با اهداف خیرخواهانه یا اجتماعی و در مقیاس‌های مختلف بنگاه اقتصادی توجه شده است می‌تواند به تعامل بیشتر دانشجویان با بنگاه‌ها و کارآفرینی کمک کند.
۴. نظام آموزش عالی ضمن برجسته کردن طیف وسیعی از کارهای انجام شده در ارتباط آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و این‌که چگونه حمایت از فعالیت‌های آینده‌سازمانی در دانشگاه‌های می‌تواند به نفع اقتصاد و جامعه باشد باید از دولت بخواهد که از فعالیت‌های کارآفرینانه حمایت کند.
۵. در نهایت با عنایت به اینکه دانشگاه فنی و حرفه‌ای در ابتدای راه خود به عنوان دانشگاه کارآفرین قرار دارد، نیاز است مطالعه بیشتری جهت برنامه‌ریزی متناسب با نیازهای اجتماعی، اقتصادی و صنعتی داشته باشد.

منابع

- ثابت نژاد، حمیدرضا، فرخی، حسین و ناتری شمس، سمیه. (۱۳۹۰). بررسی مشکلات ناشی از ورود دستگاه‌های مختلف به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در راستای بهبود مدیریت و اثر بخشی مهارت‌های آن، [http://www.pi.irantvto.ir /uploads/84_718_73_asibshenasi](http://www.pi.irantvto.ir/uploads/84_718_73_asibshenasi)
- رضایی، بیژن و پژوهان، ایوب. (۱۳۹۸). قابلیت‌ها و موانع فراروی دانشگاه رازی برای تبدیل به دانشگاه کارآفرین. *فصلنامه سیاست علم و فناوری*، ۱۱ (۱): ۱۵-۳۱.
- صالحی عمران، ابراهیم. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی مدیریت آموزش‌های مهارتی کشور، *فصلنامه مهارت آموزی*، ۸: ۲۵-۴۸.
- عزیز، نعمت اله. (۱۳۸۳). اشتغال و آموزش عالی: راهبردهای پیوند آموزش عالی با نیازهای بازار کار. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱: ۱۷۱-۱۹۷.
- عزیز، نعمت اله. (۱۳۹۶). ضرورت اصلاحات در آموزش عالی: تأملی بر چالش‌های تحصیلات دانشگاهی در ایران. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- عزیز، نعمت اله. (۱۳۸۸). *آموزش عالی و اقتصاد یادگیرنده: نگاهی به انتظارات نظام‌های اقتصادی دانایی-محور از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی*. در محمد یمنی: رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۴۳۶-۳۹۵.
- فکور، بهمن. (۱۳۸۷). دانشگاه کارآفرینی: مفهوم، زمینه‌های پیدایش و نحوه دستیابی. *رشد فناوری*، ۵ (۱۷): ۳۵-۴۲.
- کردناجی، اسداله، احمدی، پرویز، قربانی، زهرا و نیاکان لاهیجی، نازیلا. (۱۳۹۱). بررسی ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین در دانشگاه تربیت مدرس. *فصلنامه توسعه کارآفرینی*، ۳: ۴۷-۶۴.
- گال، مردیت، والتر، بورگ و گال، جوینس. (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی*. تهران: سمت.
- میری کرم، فرشته و رضایی، روح‌الله. (۱۳۹۱). *کارآفرینی دانشگاه و دانشگاه کارآفرین*. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش‌بنیان، دانشگاه مازندران.

^۱ social enterprise

- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دانشگاه فنی و حرفه‌ای (۱۳۹۲). *دانشگاه فنی و حرفه‌ای (دانشگاهی متفاوت، ارزش مدار، کارآفرین الگویی از دانشگاه نسل سوم)*. تهران: معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه فنی و حرفه‌ای.
- Adams, J. D., Chiang, E. P., & Starkey, K. (۲۰۰۱). Industry-university cooperative research centers. *The Journal of Technology Transfer*, ۲۶ (۱-۲), ۷۳-۸۶.
- Azmanirah, R., Nurfirdawati, M., Marina, I., and Jamil, A. (۲۰۱۴). Assessment Practices for Competency Based Education and Training in Vocational College, Malaysia. *Procardia - Social and Behavioral Sciences*, ۱۱۲, ۱۰۷۰ - ۱۰۷۶.
- CEDEFOP (۲۰۱۵). Stronger VET for better lives: Cedefop's monitoring report on vocational education and training policies ۲۰۱۰-۱۴. Luxembourg: Publications Office of the European Union.
- Clark, B. (۱۹۹۸). Creating entrepreneurial universities: organizational pathways of transformation. *Higher Education*, ۳۸, ۳۷۳-۳۷۴.
- Dalmarco, G., Hulsink, W., and Blois, G. (۲۰۱۸). Creating entrepreneurial universities in an emerging economy: Evidence from Brazil. *Technological Forecasting and Social Change*, ۱۳۵, ۹۹-۱۱۱.
- Dickson, P. H., Solomon, G. T. and Weaver, K. M. (۲۰۰۸). Entrepreneurial selection and success: does education matter?. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, ۱۵ (۲), pp.۲۳۹-۲۵۸.
- Duval-Couetil, N. (۲۰۱۳). Assessing the impact of entrepreneurship education programs: challenges and approaches. *Journal of Small Business Management*, ۵۱ (۱۳), ۳۹۴-۴۰۹.
- Etzkowitz, H. (۲۰۰۴). The Evolution of the Entrepreneurial University. *International Journal of Technology and Globalization*, ۱ (۱), ۶۴-۷۷.
- Fetters, M., Greene, P.G., Rice, M., and Butler, J. S. (۲۰۱۰). The development of university-based entrepreneurship ecosystems: Global practices. Cheltenham: Edward Elgar Publishing.
- Gibb, A. (۲۰۱۳). The Entrepreneurial Concept: ۲۰ Key Questions. In P. Coyle, A. Gibb, G. Haskins (eds) *The Entrepreneurial University: From Concept to Action*. London: NCEE and UUK, pp. ۱۰-۱۷.
- Grimaldi, R., & Grandi, A. (۲۰۰۵). Business incubators and new venture creation: An assessment of incubating models. *Technovation*, ۲۵ (۲), ۱۱۱-۱۲۱.
- Guerrero, M. Urbano, D. (۲۰۱۰). The development of an entrepreneurial university. *Journal of Technology Transfer, Springer*. ۱-۳۲.
- Hannon, P. (۲۰۱۳). Letter from Academia Why is the Entrepreneurial University Important? *Journal of Innovation Management* .۱(۲), ۱۰-۱۷.
- Hoskisson, R., Covin, J., Volberda, H. and Johnson, R. A. (۲۰۱۱). Revitalizing entrepreneurship: the search for new research opportunities. *Journal of Management Studies*, ۴۸ (۶), pp.۱۱۴۱-۱۱۶۸.

- Kew, J., Herrington, M., Litovsky, Y. and Gale, H. (۲۰۱۳). GEM YBI Youth Report: The State of Global Youth Entrepreneurship. Cape Town: Global Entrepreneurship Research Association/Youth Business International.
- Kirby, D. A. (۲۰۰۵). Creating entrepreneurial universities in the UK: Applying entrepreneurship theory to practice. *Journal of Technology Transfer*, ۳۱(۵), ۵۹۹-۶۰۳.
- Lazzeretti, L., and Tavoletti, E. (۲۰۰۵). Higher education excellence and local economic development: The case of the entrepreneurial university of Twente. *European Planning Studies*, ۱۳(۳), ۴۷۵-۴۹۳.
- Lee, S. M., and Peterson, S. (۲۰۰۰). Culture, entrepreneurial orientation, and global competitiveness. *Journal of World Business*, ۳۵ (۴), ۴۰۱-۴۱۶.
- Littke, K., Thång, P. (۲۰۱۵). Learning at work in Higher Vocational Education. *Nordic Journal of Vocational Education and Training*. ۵۱-۱۷.
- Matlay, H. (۲۰۰۸). The impact of entrepreneurship education on entrepreneurial outcomes, *Journal of Small Business and Enterprise Development*, ۱۵ (۲), ۳۸۲-۳۹۶.
- Medda, G., Piga, C., & Siegel, D. S. (۲۰۰۴). University R&D and firm productivity: Evidence from Italy. *The Journal of Technology Transfer*, ۳۰ (۱-۲), ۱۹۹-۲۰۵.
- Morris, M. H., Webb, J. W., Fu, J., Singhal, S. (۲۰۱۳). A Competency-Based Perspective on Entrepreneurship Education: Conceptual and Empirical Insights. *Journal of Small Business Management*, ۵۱ (۳), ۳۵۲-۳۶۹.
- Morris, M.H., Kuratko, D. F. and Cornwall, J. R. (۲۰۱۳). Entrepreneurship Programs and the Modern University. Cheltenham: Edward Elgar.
- Parha, m. (۲۰۱۴). What is Higher Vocational Education and how do we define it? Higher Vocational Education A Collection of Think Pieces. See: www.aoc.co.uk/sites/default.
- Premand, P., Brodmann, S., Almeida, R., Grun, R., and Barouni, M. (۲۰۱۲). Entrepreneurship Training and Self-Employment among University Graduates: Evidence from a Randomized Trial in Tunisia. Washinton D C.: The World Bank Publication.
- Pugh, R., Lamine, W., Sarah, J., and Hamilton, E. (۲۰۱۸). Entrepreneurial university and the region: what role for entrepreneurship departments? *Journal of European Planning Studies*, ۲۶ (۹), ۱۸۳۵-۱۸۵۵.
- Rideout, E. C. and Gray, D. O. (۲۰۱۳). Does entrepreneurship education really work? A review and methodological critique of the empirical literature on the effects of university-based entrepreneurship education. *Journal of Small Business Management*, ۵۱ (۳), ۳۲۹-۳۵۱.
- Salamzadeh, A., Salamzadeh, Y., & Daraei, M. (۲۰۱۱). Toward a Systematic Framework for an Entrepreneurial University: A Study in Iranian Context with an IPOO Model. *Global Business and Management Review: An International Journal*, ۳(۱), ۳۰-۳۷.

- Schulte, P. (۲۰۰۴). The entrepreneurial university: A strategy for institutional development. *Higher Education in Europe*, ۲۹(۲), ۱۸۷-۱۹۱.
- Sidrat, S., and Ayadi Frikhab, M. (۲۰۱۸). Impact of the qualities of the manager and type of university on the development of the entrepreneurial university. *The Journal of High Technology Management Research*, ۲۹(۱), ۲۷-۳۴.
- Siegel, D. S. (۲۰۰۶). Technology entrepreneurship: Institutions and agents involved in university technology transfer (Vol. ۱). London: Edgar Elgar.
- Sieger, P., Fueglistaller, U. and Zellweger, T. (۲۰۱۴). Student Entrepreneurship across the Globe: A Look at Intentions and Activities. Swiss Research Institute of Small Business and Entrepreneurship at the University of St. Gallen.
- Sultan, S. (۲۰۱۷). Moving from a Traditional into an Entrepreneurial. University: Evidencing from Palestine. *International Journal of Business and Social Science*, ۸(۲), ۲۰۷-۲۱۴.
- Tekin, N., Geckil, T., Koyuncuoglu, O. (۲۰۱۷). Entrepreneurial Universities Insex: A Scale Development Study, *Business and Economic Research*, ۷(۲): ۷۰-۸۱.
- Toledano, N., and Urbano, D. (۲۰۰۸). Promoting entrepreneurial mindsets at universities: a case study in the South of Spain, *European J. International Management*, ۲(۴), ۳۸۲-۳۹۹.
- Ulicna, D., Luomi Messerer, K., and Auzinger, M. (۲۰۱۶). Study on higher Vocational Education and Training in the EU. Brussels: European Commission
- van Stijn, N., van Rijnsoever, F. J., and van Veelen, M. (۲۰۱۸). Exploring the motives and practices of university-start-up interaction: evidence from Route ۱۲۸, *The Journal of Technology Transfer*, ۴۳(۳), ۶۷۴-۷۱۳.
- Walshok, M., and Shapiro, J. (۲۰۱۴). Beyond Tech Transfer: A More Comprehensive Approach to Measuring the Entrepreneurial University. *Academic Entrepreneurship: Creating an Entrepreneurial Ecosystem (Advances in Entrepreneurship, Firm Emergence and Growth, Vol. ۱۶)*, Emerald Group Publishing Limited, pp. ۱-۲۶.
- Welter, F., Smallbone, D. (۲۰۱۱). Institutional Perspectives on Entrepreneurial Behavior in Challenging Environments, *Journal of Small Business Management*, ۴۹(۱), ۱۰۷-۱۲۵.
- Wissema, J.G. (۲۰۱۰). Towards the Third Generation University Managing the University in Transition. Cheltenham (UK): Edward Elgar Publishing. ISBN ۹۷۸-۱-۸۴۸۴۴-۲۱۶-۰.
- Yadollahi Farsi, J., Narges Imanipour, N., and Salamzadeh, A. (۲۰۱۲). Entrepreneurial University Conceptualization: Case of Developing Countries. *Global Business and Management Research: An International Journal*. ۴(۲), ۱۹۳-۲۰۴.

A Critical Reflection on Vocational Training Policies and Mechanisms in Consistency with Entrepreneurial University Standards: (Case Study: Technical and Vocational University)

Somayeh Mohammadizad^۱, Nematollah Azizi^۲, Ebrahim Salehi Omran^۳

This paper aims to analyze the policies and mechanisms of the Technical and Vocational University as well as to analyze the quality of educational programs, to identify the challenges ahead and to suggest strategies for quality improvement and the university's educational and research performance. As a multi-qualitative research, the study was based on document analysis and phenomenology. Participants included ۱۲ academic executives and relevant employers in technical fields who were purposefully selected and interviewed. Qualitative content analysis method with emphasis on the main components was also used to analyze the findings. The findings showed that although the university in its policies and mechanisms works in line with the traditions of entrepreneurial universities, but in practice suffers from a set of contextual, environmental, structural and content challenges, that failing to address them not only overshadows the effectiveness and efficiency of the university, but also runs counter to its existential philosophy and strategic vision.

^۱ PhD Student in Planning Higher Education Development, Kurdistan University

^۲ Professor, Department of Education, University of Kurdistan

^۳ Professor, Department of Education, University of Mazandaran